

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۲۹ خرداد ۵۹ شماره ۶۶ تک شماره ۹۰ ریال

در باره هشدار شوروی به ایران

روسیه هم هیچ غلطی نمیتواند بکند

ابرقدرت روس خود را برای تجاوز به میهن ما آماده می سازد ملت ما نیز باید خود را برای مقابله با تجاوزگران آماده نماید

دیروز صدای جمهوری اسلامی ایران از قول خیرگزاری رسمی دولت شوروی (تاس) گزارش داد که شوروی به ایران بابت بینه دادن به نیروهای آزادبخواه افغانی در خاک خود هشدار داده است. این یک تهدید رسمی و علنی زمامداران جهانخوار کمپین علیه استقلال و حاکمیت ملی کشور ما است. تهدیدی است که پس از چهار تجاوز نظامی متوالی به حریم هوایی ایران در مدت ۱۵ ماه اخیر صورت میگیرد.

اخراج کارگران یا ارثیه استنداد

حزب رنجبران ایران این تهدید ابر قدرت روس علیه جمهوری اسلامی نوپنیا و مستقل وطنی ایران را شدیداً محکوم میکند و آنرا خطری جدی برای انقلاب اسلامی ایران، برای استقلال کشور و برای آزادی ملت ارزبایی مینماید. علت این تهدید چیست؟ ریشهها و سوابق آن کدامند؟ ادامه آن چه خواهد بود؟ (۱) تهدید رسمی دولت شوروی که از زبان خیرگزاری تاس علنی شده است، حلقهای است از سیاست عمومی این ابرقدرت جهانخوار و جزئی است از نقشه استراتژی عمومی آن برای سلطه بر جهان. ابرقدرت شوروی برای عملی ساختن سلطه خود بر جهان میکوشد. سمد در صفحه ۲

در حاشیه "انشعاب رهبری حزب دمکرات" مژدگان که گاه عابد شد

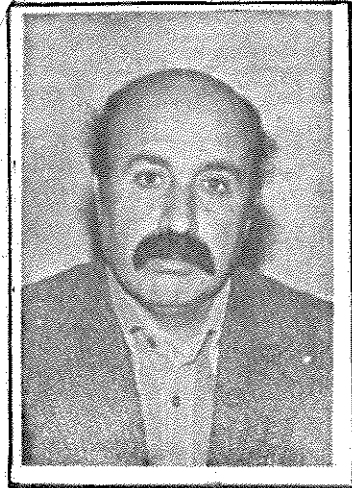
مصاحبه بارفیک ایرج کشکولی عضو کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران

مسائل عشایر فارس و مشکلات منطقه

در روزهای اخیر برخوردهای پراکندهای بین پاسداران و عشایر فارس رخ داده و زمینه برخوردهای بزرگتری نیز وجود دارد. رنجبر از مدتها قبل مسائل و مشکلات عشایر و بیوزده تودههای زحمتکش عشایر، ستم و اجحافات که از جانب مستی اندک از وابستگان رژیم سابق متحمل میشوند و بی توجهی مسئولین دولتی

را نسبت به خواسته های عشایر متذکر شده است. بمناسبت حوادث اخیر و بحرانی شدن منطقه، ما مصاحبه ای با رفیق ایرج کشکولی عضو کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران که خود از میان توده های غیور عشایر برخاسته و در زندگی و مبارزات آنها سهیم بوده و با مسائل و مشکلات عشایر

رفیق ایرج کشکولی - انحصار طلبان و قدرت طلبان و مراکز قدرت باید اوضاع حساس مملکت را در نظر آورده و منافع مردم ایران را برتر از منافع گروهی خود قرار دهند. مراکز خودکامه، قسدرت باید کنار گذاشته شده و نظم و ثبات بر کشور حاکم گردد، محیط شک و سوءظن و روش باصطلاح روکردن "اسناد" که تنها در مواقع حساس و به منظور خاصی کشف می گردند باید پایان یابد. باید هیئت صالح و مطمئنی این اسناد را بررسی کرده تا جو سیاسی جامعه از سلامت لازم خود برخوردار باشد.



امروز دیگر هر فردی - به هر دلیل و مقصودی - موجب هرج و مرج بیشتر و آغاز جنگ در منطقه دیگری از ایران گردد، شرایط را برای عدم ثبات کشور و دخالت و نفوذ امپریال - لیسم فراهم آورده و عملاً آب به آسیاب دشمن می ریزد. دولت باید عاملین ربودن خسرو قشقایی، یعنی کسانی را که دستور امام و رئیس جمهور را مبنی بر ایجاد نظم و ثبات و پیروی از قانون اساسی را زیر پا می گذارند تحت تعقیب قرار داده و آنان را به توده های عشایر معرفی نمایند. دولت باید با قاطعیت نشان دهد که خواهان روش قهرآمیز و سرکوب در حل بحران کنونی نبوده و باید جلوی اعمال مراکز خودکامه

در حاشیه سفر و مصاحبه وزیر امور خارجه ایران:

دو ابر قدرت می خواهند ایران را در جهان منزوی کنند.

مشی انقلابی نمائی در سیاست خارجی به منزوی شدن ایران می انجامد

معنوی و سیاسی و عملی با ایران جلب نماید. این سیاست کاملاً با سیاست آمریکا و روسیه در جهت منزوی کردن ایران در تضاد قرار دارد و یک جبهه بسیار مهم و اساسی مبارزه ضد امپریالیستی و اعمال سیاست "نه شرقی نه غربی" جمهوری

سیاست خارجی ایران کینه آمریکا و روسیه را برانگیخته است.

آقای صادق قطب زاده وزیر امور خارجه روز یکشنبه ۲۵ خرداد از سفر اسلوبه تهران بازگشت. آقای قطب زاده در روز دو شنبه در یک مصاحبه مطبوعاتی در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی دروزارت خارجه و یک مصاحبه دیگر تلویزیونی از طرف سیمای جمهوری اسلامی ایران شرکت کرد و رسانه های

اگر بیکاری تاوانی است که زحمتکشان این مرز و بوم بایست نابسامانیهای کنونی اقتصاد کشور می بردارند، اخراج تاوانی است که آنها بابت میراث خواران خودکامگی متحمل می گردند. وما این حقیقت را هر روز عریان تر مشاهده می کنیم. اکنون مدتهاست که کارگران و زحمتکشان علاوه بر مشکلات عیدهای که در زندگی روزمره خود با آن مواجه هستند، متحمل نوعی ستم دیگر نیز شده اند که عبارت است از اخراج آنان از شغل و کارشان و پیوستن به خیل بیکاران و یا بهیتر بگوئیم به خیل فقرا. زیرا که بیکاری یک زحمتکش ایرانی معنایش بقوریت فقر و فاقه و محتاج به نان شب شدن است. زیرا صحبت از بیمه بیکاری و امثالهم سخنی بیهوده است که برای ایجادش هنوز باید مبارزه کرد و گام ها برداشت.

و در این میان عجیب تر آنکه بخش بزرگی از این اخراج هاب دست شوراها و حاکم بر کارخانه ها و موسسات تولیدی و خدماتی انجام می گیرد. شوراها و کارگران و دیگر وظیفه دفاع از عهده دارند. کندو کاو مختصری در امور اخراجی ها بمانشان میدهد که بجز مواردی استثنایی که اخراج بخاطر سوابق بد سیاسی و اخلاقی کارگر صورت گرفته، اکثرا اخراج جواب مدیر، کارفرما و یا شوراها با اصطلاح هوادار مستضعفین به کارگران مبارزی است که در جهت متشکل کردن خواهران و برادران طبقاتی خود گام برداشته اند و بایه دفاع از منافع آنها صدای خود را بلند کرده اند و از این روی مستحق غضب قدرتمدارانی که تصمیم گرفتند اند از الگوی استبداد سرنگون شده پیروی کنند، شده اند.

این اعمال خودکامگی علیه کارگران و زحمتکشان از جانب کار گزارانش برنگ اسلامی در می آید تا مورد قبول توده های کارگر و زحمتکش قرار گیرد. این دیکتاتورهای نازیه بدوران رسیده در مراکز تولیدی در حالیکه بسیاری از اهداف انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را زیر پا نهاده، برای مفاد قانون اساسی که در آن منجمله مصونیت کار افراد تضمین شده است، پیشی ارزش قایل نیستند خود را صاحب انحصار دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی قلمداد می نمایند. اما واقعیت عمل آنها این است که آنها تنها مدافع کلمه انقلاب و جمهوری اسلامی اند و نه بقیه در صفحه ۲

هر دم از این باغ بی می رسد... پس از رهبری غاصب چریکها، اینکه ثنویت رهبری فا سدر حزب دمکرات است که سالوسانه به پاپوس جمهوری اسلامی و امام خمینی بشتابد. راستی چگونه است که به ناگهان از همه سوشمنان کهنه کار روسرخت جمهوری اسلامی "دوست" آن از آب در می آیند

دست اتحاد بسوی آن دراز میکنند؟ چگونه است که نیروها می مانند رهبری غاصب سا زمان چریکها و باند مسز دور غنی بلوریان در حزب دمکرات که ما آنها علیه جمهوری اسلامی توطئه کرده و بروی آن اسلحه کشیده اند، ناگهان اسلحه را به زمین می گذارند و هوادار بقیه در صفحه ۶

درسوگ رفیق نادر شریفی

رفیق نادر شریفی بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۲ خرداد در یک حادثه را نندگی بین راه لنگرود و چمخاله بشدت مجروح شده و بانهایت تاء سفیل از ۲۴ ساعت مبارزه بین مرگ و زندگی در بیمارستان رازی رشت درگذشت. نادر در سال ۱۳۲۴ در روستای "بیرکوه" (عما رلوی رودبار) به دنیا آمد و از همان او ان کودکی بطور ملموسی با درد و رنج روستائیان و محرومیت های آن آشنا گردید. وجهت رهائی و بهبود وضع مردم آن منطقه تلاش میکرد و همواره میکوشید از سنگینی بار جاناگاه آنان بکا هد. او با این خصوصیات و روحیات عالی خدمت بخلق در سال ۵۴ بنده در صفحه ۲

زمانی کوتاه شکاف های بزرگی در محاصره سیاسی و اقتصادی ایران توسط دوا بر قدرت (آمریکاورسیه) بوجود بیاورد و کشورها و نیروهای هر چه بیشتری را به پشتیبانی

درست به همین دلیل، امریکاو عمالش که در حال حاضر سیاست تحمیل محاصره اقتصادی ایران را به کشورهای متحد اروپایی و ژاپنی خود بقیه در صفحه ۵

گفتگوی «رنجبر» با دکتر سنجایی:

ایرانیت و اسلامیت بایکدیگر عجین هستند

دکتر سنجایی در اجتماع اعضاء و طرفداران جنبه ملی ایران بمناسبت زادروز دکتر محمد مصدق در مورد مضمون ملی گرائی و اسلامیت در ایران سخن گفت و ضمن محکوم کردن اعمال انحصار طلبانه و هرج و مرج طلبی در جامعه پس از پیروزی انقلاب خواستار استقرار حکومت قانون و ایجاد دینم شده و برای تحقق آن از ابولحسن بنی مدریاست سنت جمهوری اعلام پشتیبانی نمود. دکتر سنجایی در مورد ملی گرائی و اسلامیت در ایران گفت که هویت ایرانیست و

اسلامیت دو حقیقت هستند که هر دو یک مفهوم و یک معنی در بر دارند و این ملت را نشان میدهد وی ضمن محکوم کردن اشخاصی که با حرکت از منافع شخصی و گروهی خود در صدد ایجاد جدائی بین هویت ملی و هویت دینی این مردم هستند، افزود: "کسانی از عبارت و مفهوم عالی و معنوی رهبر انقلاب کنونی ایران که در رابطه ملیت و اسلامیت صحبت کرده است میخواهند سوء استفاده کنند و جدائی بوجود بیاورند. دکتر سنجایی در ادامه سخنان خود به فعالیت های دشمنان خارجی در داخل کشور و وضع نابسامان و فلج شده اقتصادی و همچنین به بیایمال شدن حقوق اجتماعی و آزادی مردم اشاره کرده و در مورد نقش و وظائف مجلس افزود که ملت ایران از مجلس شورای ملی انتظارات زیادی دارد و اگر مجلس، نظام قانونی و نظام عدالت را مستقر نکند محققا همه امیدها بر باد خواهد رفت.

☆☆☆☆

پس از مراسم زاد روز دکتر مصدق خبرنگار "رنجبر" مصاحبه و گفتگویی با دکتر کریم سنجایی ترتیب داد که خلاصه ای از آن را در زیر ملاحظه میکنید:

رنجبر: با توجه به اینکه در روزهای اخیر حملات زیادی به ملی گرائی مترقیستی در بقیه در صفحه ۲

سمینار جهاد سازندگی برگزار شد

فعالیت جهاد سازندگی باید هماهنگ با سایر ارگانها به پیش رود.

اولین سمینار جهاد سازندگی در تهران که با شرکت نمایندگان آن در مناطق مختلف ایران تشکیل شده بود در روز سه شنبه ۲۷ خرداد ماه پس از بحث و بررسی بر روی کارنامه جهاد و سرناسر کشور به کار خود پایان داد. در طول بحثهای سمینار نمایندگان جهاد سازندگی که از استانهای مختلف آمده بودند در مورد فعالیت های عمرانی و خدماتی این نهاد و نارسائیها و مشکلات مطالبی مطرح ساختند. در پایان سمینار قطعنامه ای مبنی بر ۱۲ ماده به تصویب حاضران رسید. در بخشی از قطعنامه ضمن تاکید بر حمایت روحانیت از جهاد و پافشاری بر روی خط نه شرقی، نه غربی مسئله مبارزه با محاصره اقتصادی مطرح شده است. در رابطه با مبارزه با محاصره اقتصادی آمده است. "باید مجدداً در جهت کسب استقلال اقتصادی و دیگر گونی سیستم اقتصادی وابسته به نفت کوشش کرده و حرکت سازندگی جهاد را در جهت خودکفائی تولیدی و کشاورزی و تکامل شیوه های سنتی هدایت نموده و با تاکید و تاکید به

رهنمودهای مکرر آیت الله منتظری خواهان حمایت و تشویق روستائیان با خرید محصولاتشان به قیمت عادلانه تر هستیم. " جهاد سازندگی که در سال گذشته به فرمان امام خمینی بوجود آمد، توانست فعالیت های چشمگیری در زمینه های برق رسانی، آب رسانی، احداث مدرسه و مسجد و حمام، جاده سازی، بهداشتی نمودن چاهها و قنوات جمع آوری محصولات و... انجام دهد. امیدواریم که جهاد سازندگی بتواند در ادامه فعالیت های خود، خدمات عمرانی و مردمی را با ارزانیهای دیگر هماهنگ ساخته و بدین ترتیب بطور متمرکز امر آبادانی و نوسازی مناطق مختلف مملکت با سرعت و وسعت بیشتری به پیش رود.

در این شماره روستاهای محروم سیستان را دریابید

- گشت و صنعت نیشگر هفت تپه را از نابودی نجات دهید. صفحه ۳
- اهداف توسعه طلبانه سوسیال سامیریا لیسیم شوروی در شاخ آفریقا صفحه ۴
- به خواستهای کارگران زحمتکش قهوه خانه ها سریعاً رسیدگی کنید. صفحه ۳

مواضع جمهوری اسلامی ایران در اسلو با اطلاع ساخت متاسفانه بدلیل پیش بینی نشده نتوانستیم متن مصاحبه وزیر بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱
"اخراج کارگران یا ..."

مدافع روح و مفهوم آن و چه بسا که با روح و مفهوم آن نیز مخالفانند. این کارگران خودکامگی خیلی از قاطعیت انقلابی صحبت می کنند، اما حاصل کارشان از این قاطعیت، سرکوب کارگران پیشرو و مبارز است، حاصل قاطعیت آن زنده کردن زورگویی و قلندری است.

مسئولین امور کار و کارگری کشور هنگامیکه درباره تشکیلات کارگران سخن می گویند، لزوم تشکیلات مستقل کارگری را با ادعای اینکه امروز کارگر و کارفرما برابرند، منکر می گردند. اما واقعیت اینست که این برادران "کارفرمای جدید" کارخانجات که به یمن از خودگذشتگی و همت ولای برادر کارگر و زحمتکش بر مسند قدرت قرار گرفته اند، در برابر خواست و ابراز وجود برادر زحمتکش با قهر و غضب دیکتاتور منشانه خود که گویا بسیار "محقانه" و "معصومانه" نیز هست اورا با بریدن اژدان بخور و نمیر یعنی با اخراج تنبیه می کنند تا باعث عبرت سایرین گردد.

این پدیده اعمال استبداد بر زحمتکشان پدیده های با چهار جانب است: اعمال استبداد علیه مخالفین جلوگیری از شکل مستقل کارگران و زحمتکشان، سوء استفاده از عقاید و احساسات توده ها و انکاء به بند ۳۳ قانون کار رژیم سلطنتی سرنگون شده بر پایه این چهار نقطه انکاء است که صاحبان قدرت جدید شمیر اخراج رابر سر کارگران فرو می آورند.

اکثر شاهد، نشان میدهند که کارگران اخراجی اکثر کارگران فعال و مبارزی هستند که سابقه مقاومت و مبارزه طولانی در برابر کارفرمایان و مدیران زورگو را دارند. موارد مشخصی نیز که به اخراج آنها منتهی گردیده، همگی مسایل مورد اختلاف بین کارگران و مدیریت یا شوراهای از خودرایی و سرهم بندی شده، یا افکار و نظرات ویا وابستگی سیاسی نسبت داده شده به آنها بوده است (گویا که کارگران حق بیوسته به احزاب و دستجات سیاسی را ندارند و این تنها از حقوق خواص است.) بنا بر این یک دلیل اخراج اعمال استبداد علیه کارگرانی است که نظراتی برخلاف نظرات صاحبان قدرت مراکز تولید و خدماتی دارند.

دوم: مدیران و شوراهای سر هم بندی شده که اکثر مورد تنفرویا ناراضی کارگران اند، از این امر که کارگران و زحمتکشان برای کسب منافع بحق صنفی و اقتصادی خویش متشکل شوند سخت هراسناک اند و بنا بر

می خواهند اخراج نمایند. قانونی که سلطنت وابسته بهلوی و اعوان و انصارش آنرا تدوین کرده و بمنابه جماعتی به دست کارگران خود سپردند.

اما هر گجا، ستم هست مبارزه هم هست، دیکتاتوری ضد خود را می آفریند، زورگویی، مقاومت علیه خود را می آفریند و دامن می زند. این را بارها دیده ایم و تجربه

کرده ایم. بهمین سبب این خودکامگی چهار پا قادر نیست و نخواهد بود به اهداف خود برسد و کارگران و زحمتکشان را به موجوداتی زبون و حیوان مبدل کند. این از ماهیت کارگر و زحمتکش مستضعف می آید که در برابر زورگو مقاومت کند. انهم کارگر و زحمتکشی که با خون شهیدان خود حماسه های جاودانه ای در انقلاب اسلامی ایران آفریده است. کارگران و زحمتکشانی که در طی چند ساله نوفانی اخیر در برابر زورگویی بی

خوابه و مبارزه کرده اند. امروز کشور ما در برابر دو ابر قدرت آمریکا و روسیه و عمال آنها قرار دارد، امروز کشور ما سخت نیازمند خودکفایی اقتصادی است، امروز در هر جبهه های سازندگی و خلاقیت لازم است و کارگران همانند گذشته، رزمنده ترین جناح خلقی اند که مصمم است در این جبهه ها پیروز شود.

بهمین دلیل است که می گوئیم کارگران باید با تمام قوا و در همبستگی کامل در برابر این هیولای مستبد چهار پا که تلاش دارد در کارخانه سلطه طاغوتی استبدادی برقرار کند بیا خیزند. کارگران اگر امروز در برابر اخراج خواهران و برادران خود ساکت بنشینند در واقع حق ابراز زندگی مستقل خود را داوطلبانه از دست داده اند و حکم محکومیت خویش و تسلیم شدن به سرنوشت اخراج و فقر کامل خود را امضاء کرده اند. آنها باید برخیزند و هم چون بسیاری کارهای دیگرشان که موفقیت بدست آورده اند برای پیروزی مبارزه کنند. این اقدام و گام مهم آنهاست که باعث میگردد که استبداد طلبان نتوانند بر کارخانه دیکتاتوری کنند، از شکل مستقل شان جلوگیری کنند، و شور و اعتقاد صادقانه آنها را مورد سوء استفاده قرار دهند و همچنین باعث میشود تا بند ۳۳ قانون کار همانند بسیاری مفاد دیگر قانون کار فعلی تغییر کند.

از سوی دیگر مسئولین امور باید بدانند که بدون رضای کارگر و دهقان هیچ چیز اساسی در این مملکت و در این گارزار بزرگی که انقلاب اسلامی ایران آغاز کرده

تربیک به کارکنان روزنامه

انقلاب اسلامی

روزنامه انقلاب اسلامی که سال گذشته با پشتیبانی هایی از طرف توده مردم و به همت آقای ابوالحسن بنی صدر و عده ای از همفکران ایشان بنا نهاده شد، امروز دومین سال انتشار خود را آغاز می کند.

روزنامه انقلاب اسلامی یکی از ارکان تبلیغاتی اسلام مبارز است که در طول سال گذشته توانسته بر خط نه شرقی نه غربی که راستای اصل انقلاب اسلامی ایران است پافشاری نموده و از این طریق خدماتی ارزنده به امر مبارزه برای استقلال کامل ایران بنماید.

ما یکمین سال آغاز انتشار روزنامه انقلاب اسلامی را به کارکنان و مسئولین آن تربیک می گوئیم و آرزو داریم تا همکارانمان در ستر مبارزه علیه ابرقدرتهای شرق و غرب و در همراهی با دیگر نیروهای اصل استقلال طلب موفق و پیروز باشند.

هیئت تحریریه "رنجبر"

بقیه از صفحه ۱
"روسیه هم هیچ"

تابر راههای آبی که نفت خلیج فارس را به غرب میبرد مسلط شود و از این طریق رقیب خود، ابر قدرت آمریکا را، در میدان رقابت امپریالیستی مغلوب سازد و خود به مقام آقایی جهان برسد. ابر قدرت شوروی برای انجام این منظور پلید خود، مانند تمام جهانخواران تاریخ، از هیچ تجاوز و جنایتی علیه خلقهای محروم و مبارز جهان، بخصوص خلقهای منطقه، فروگذار نخواهد کرد. اشغال خاک کشور همسایه ما افغانستان و کشتار خلق برادر و مسلمان این کشور قدم اول ابر قدرت روس در راه پیاده کردن نقشه فوق است.

لکن هدف نهائی زمامداران جهانخوار کرملین تسلط بر تنگه هرمز است، یعنی مکانی که از آن بیش از سه چهارم نفت مورد احتیاج جهان غرب میگذرد و بمنزله گلوگاه و شریان حیاتی غرب است. بنابراین، پس از اشغال افغانستان، ابر قدرت شوروی قدمهای بعدی را در پیشروی بسوی جنوب، بسوی خلیج فارس و تنگه هرمز به پیش بر خواهد داشت و طعمه های آینده آن بدون تردید کشور پاکستان و نیز میهن ما ایران خواهد بود، یعنی دو کشوری که بر سر راه حرکت تانکهای شوروی بسوی جنوب قرار دارند. همانطور که سند "نقشه"

بقیه از صفحه ۱
"ایرانیت و اسلامیت ..."

ایران شده است، آیا بنظر شما زمینه مساعدی برای وحدت و تقاضای هم بین ملی گرائی مترقی و اسلام مبارز در ایران وجود دارد؟

دکتر سنجابی اسلامیت و ایرانیت با همدیگر عجین هستند و نمیتوان با تکیه بر ایرانیت با اسلامیت مخالفت نمود و یا عده ای نمیتوانند تحت نام اسلامیت برای ایرانیت و سنن و فرهنگ آن حمله ور شوند. بنظر من اسلامیت پاک و اصل این واقعیت رانفسی نمیکند. این اسلامیت کسه میگوید، ما اجازه نمیدهیم یک وجب از خاک ایران بدست بیگانگان بیافتد، این خود ملی گرائی است.

امام خمینی، آیت الله منتظری و همچنین مرحوم آیت الله طالقانی همیشه برای این فکر بوده و هستند. منتها عده ای سعی میکنند که با نام اسلامیت درجا معه تفرقه بینا نندازند. آنها حتی علیه خودشان نیز عمل میکنند. بنظر من در حال حاضر زمینه وحدت و تقاضای هم وجود دارد و باید بگیریم که من خوش بین هستم. حقیقت در آینده روشن خواهد شد.

رنجبر - نظر شما را جع به اختلافات کنونی چیست و بنظر شما هر چه موجود است کی میتواند ادامه داشته باشد؟
دکتر سنجابی - دعوی ایرانیت و امروزیک دعوی فکری و ایدئولوژیکی نیست. یعنی دعوی، دعوی اسلام خواهی نیست. دعوی بر سر قدرت و حکومت است. زیرا که حکومت ایدئولوژی ملت ایران، استقلال آزادی و عدالت اجتماعی است و همه گروهها هم این را مطرح میکنند.

ایران با پاکستان روشن میشود. فراموش نکنیم که در زمانی که وزیر امور خارجه ایران در کنفرانس اسلامی برای ورود نمایندگان جنبش آزادیبخش افغانستان به کنفرانس و جلوگیری از ورود نمایندگان رژیم مزدور ببرک کارمل به کنفرانس مبارزه میکرد، هلیکوپترهای روسی - افغانی

بقیه از صفحه ۱
"ایرانیت و اسلامیت ..."

در مورد هر چه و مرج، بنظر من ملک و مملکت ممکن است که با زور برای مدتی باقی بماند ولی با هرج و مرج هیچوقت نمیتواند باقی بماند. این واقعیت کنونی که هر کمیته و هر ارگانی هم قانون گذار است و هم مجری و غیره نمیتواند برای مدت زیادی باقی بماند. بنا بر این باید یک نظام قانونی در کشور حاکم بشود که در کلیه امور اقتصادی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظم را برقرار کند. بهمین دلیل هم باید شخص رئیس جمهور را در این مورد تقویت کرد. بنظر من عواملی که موجب لای چرخ آن میگذازند باید سلام و ایران و انقلاب اسلامی لطمه وارد میکنند.

بختیار و اویسی
غلطی نمی توانند بکنند

رنجبر - در ماههای اخیر که هر چه و مرج و ناسا مانسی زیاد شده است، فعالیت های بختیار و اویسی و دیگر ضد انقلاب وابسته به آمریکا علیه ایران زیادتر شده و فعالیت های ابر قدرت روسیه و عمالش در میهن ما افزایش یافته است. نظر شما در این مورد چیست؟

دکتر سنجابی - من به هیچ وجه موفقیتی برای آنها نمی بینم و آنها همچنان بی اهمیت و زبون شده اند که فقط میتوانند با دستگا های تبلیغاتی شفا هی علیه ایران دروغ پرداز ی بکنند. آنها اگر قدرتی داشتند در زمانیکه حکومت در دست آنها بود چه غلطی کردند که حال بتوانند بکنند. من هیچ آینده ای برای آنها نمی بینم. مگر اینکه ما خودمان زمینه ای برای آنها ایجاد نکنیم و بیهانه ای بدست

ما در مبارزه با آمریکا به شما کمک کنیم، در برابر جنایات ما در افغانستان، جنایاتی که مقدمه تجاوز به خاک میهن شما نیز هست، سکوت کنید و گرنه نه تنها به شما کمک نخواهیم کرد، بلکه همان بلائی را که بر سر مردم افغانستان آوردیم بر سر شما هم خواهیم آورد. این همان است که ما میبایست آمیکا

عوامل بیگانه بدهیم. آمریکا در خاور میانه بیجا تقویت صهیونیسم بیگانه است. تقویت بین المللی دست زده نکرده اند بلکه به نفع رقیب خود در منطقه عمل کرده اند. آمریکا بر علیه ایران و انقلاب ایران میتواند توطئه بچیند و هم اکنون نیز به توطئه خود ادامه میدهد. ولی بنظر من این آمریکا نیست که موفق میشود بلکه ممکن است ما از داخل خودمان شکست بخوریم.

عمل دولت شوروی در منطقه خطر عظیمی ایجاد کرده است

روسیه هم نه تنها یک برنامهم و روش انقلابی و گسترش انقلاب بنفع ملتها را تعقیب نمیکند، بلکه در همه جا یک سیاست امپریالیستی را پیاده مینماید. فقط اسمش و عنوانش ضد استعمار است. مثلاً عمل دولت شوروی در افغانستان بر هیچ موازینی نمیتواند استوار باشد و خطر عظیمی برای منطقه ایجاد کرده است و ممکن است که این خطر ادامه پیدا بکند و بتدریج تمام منطقه را در بر بگیرد.

بنا بر این دولتهای این منطقه باید توجه این خطر را با شنود با ید این کشورها یک سیاست متحد تدافعی برای حفظ و موجودیت خودشان در پیش بگیرند. با توجه به این نکته استیلای یکی از این قدرتها (آمریکا و روسیه) در این منطقه بدون وقوع یک جنگ بین المللی متصور نیست و با ید این کشورها متحد بشوند و استقلال خودشان را در برابر آنها تا مین نمایند.

یکپارچه شود و استوار، هیچ نیروی اهریمنی حتی اگر به بزرگترین زرادخانه های تاریخ مجهز باشد، قادر نخواهد بود، این خلق را به زانو در آورد. رفیق ماوتسه دون گفته است: "امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی هر دو بیکر باغذی هستند، بظاهر ترسناک لکن در باطن، ته خال. از دیکه تا مدت

این تلاش دارند عناصری را که آنها فکر می‌کنند باعث ایجاد جنین تشکل‌های مستقلی می‌باشند را با اخراج از میان بردارند. غافل از این که تشکل مستقل کارگران خودجوش بوده و دیرتر ویا زود تر بوجود می‌آید و نمیتوان از بالا تشکل‌های سرهم بندی شده‌ای را بکارگران تحمیل نمود و یا جلوی ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری را با قدری سد کرد.

سوم: بر طبق شواهد متعدد این مراکز ادامه زورگویی، با توسل به احساسات و عقاید توده‌ها تلاش می‌نمایند افراد مورد نظر خود را در پیش کارگران افرادی کافر، خرابکار، ضد انقلاب و امثالهم جلوه گر ساخته و باصطلاح با حمایت توده‌ها آنها را اخراج نمایند. نمونه ایجاد دسته‌های سازمان داده شده الله اکبر که وظیفه دارند در مجامع کارگری کارخانه به پیشنهادات کارفرمایان و عمل آنها یا ذکر الله اکبر بقیه را نیز به ذکر آن کشانده و بدین ترتیب پیشنهاد را بتصویب برسانند. در بین کارگران شناخته شده است. و سرانجام بند ۳۳ قانون کار طاغوتی است که بهر مدیر و کارفرما و شورایی اجازه میدهد بهر دلیل و یا بی هر دلیلی هر کارگری را که

بدین گونه میتوان به سازندگی توده‌ها و سازندگی فردا امیدوار بود. بدین گونه میتوان تضمین نمود که کارگران و زحمتکشان ایرانی از شما حمایت کنند و امیدها و تلاش‌های ضد انقلاب وابسته به شرق و غرب را یکسره خنثی نمایند.

بقیه از صفحه ۱ "در سوگ رفیق"

با مواضع سازمان انقلابی یکی از سازمانهای تشکیل دهنده حزب رنجبران ایران آشنا شد و آن پس بر اساس خط مشی سازمان به گام پرزحمت و فشرده‌ی توده‌ای پرداخت و از هیچ کوششی برای آگاه کردن و خدمت به آنان دریغ ننمود. بعد از اتمام تحصیلات دبیرستان به عنوان سپاهی دانش در روستاهای آذربایجان انجام وظیفه میکرد و از پانزده تا بیست و هشت سالگی در آنجا مشغول تدریس شد. او علاقه زیادی به تدریس داشت و هنگامیکه بعد از ظهر مدرسه پیرکوه تعطیل بود به روستای "بندزمین" روستائی در همسایگی پیرکوه رفته و بطور داوطلبانه به شاگردان آنجا که از طرف فرهنگ برایشان معلم اعزام نشده بود درس میداد. ضمناً "با تخته سیاه متحرکی به کوههای عمالرسو میرفت تا اهالی آنجا را که از امکان آموختن محروم بودند تدریس نماید.

از خصوصیات ویژه رفیق شریفی عشق وافر به زندگی و شرکت در کارهای عملی روستائی بوده و همیشه در ساعات فراغت به روستائیان همگام شده و همراه آنان به کارزار و اداری می پرداختند.

غما زدست دادن نادر به انداز کوههای عمالرسو و روستائیان پیرکوه سنگینی می‌کنند و آنرا به سوگ نشاندند است. رفیق‌های ما عزم راسخ دارند که پیرو راه او باشند و برای تحقق آرمانهای والای او با تمام قدرت بکوشند.

حزب رنجبران ایران اندوهمی پایان خود را از مرگ ناگهانی و ناگوارنا در اعلام نموده و به خانواده او و شما می‌آهالی عمالرسو و رفقا و هواداران حزب تسلیت میگوید.

استراتژی عمومی سوزی برای سلطه بر جهان مصوبه سومین اجلاس کمیته مرکزی حزب ما (نیمه خرداد ماه ۵۹) بدستی خاطر نشان کرده است: "سوسیال فاشیسم شوروی دیر یا زود مطمئناً خاک میهن ما را مورد تجاوز و تاخت و تاز خود قرار خواهد داد" (رجوع شود به "رنجبر" شماره ۶۵، صفحه ۵).

بنابراین، درک این مسئله عمیقاً و شدیداً ضروری است که حرکت اجتناب ناپذیر نیروهای نظامی روس بسوی جنوب و تجاوز آنی این نیروها به میهن ما، امری است محتوم که نتایج و نتایج آن از ماهیت توسعه طلبانه، و استیلا جویانه و تجاوزگرانه ابر قدرت شوروی ناشی میشود، تهدید و توجیهات و علنی

کرملین علیه ایران تنها در این چهار چوب قابل درک و تفسیر است. (۲) هر چند حرکت توسعه طلبانه شوروی و تهدید آن علیه ایران از ماهیت جهان‌خوارگی این ابر قدرت ناشی میشود، لکن پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از نهضت مقاومت افغانستان بر تهدیدات و تحریکات شوروی افزوده است و کرملین میکوشد از مسئله افغانستان نیز برای تسریع تجاوز خود به ایران کمک بگیرد. کرملین در هشدار خود صریحاً دولت ایران را از بابت کمک

هایش به نهضت مقاومت افغانستان مورد تهدید قرار میدهد. خبرگزاری "تاس" در این "هشدار" خود ضمن اشاره به اظهارات صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه ایران، چنین تهدید میکند: "مهره‌های مشخصی از رهبران ایرانی سعی بر نشان دادن تمایل بیش از اندازه خود به سازماندهی نیروهای مخالف دولت افغانستان دارند و این امر به روابط دوستانه دو کشور ایران و افغانستان لطمه خواهد زد." (کیهان ۲۷ خرداد ۵۹، صفحه ۴). تاس همچنین اضافه میکند: "ایران پایگاه دوم چریکهای افغانی برای مبارزه با نیروهای شوروی شده است" و تهدید میکند که سیادا "ایران به پاکستان دیگری تبدیل شود".

وقتی که میدانیم در همین هفته گذشته جنگنده‌های روسی به حریم هوائی پاکستان تجاوز کرده و جاده‌های که پاکستان را به افغانستان متصل میکنند مورد بمباران قرار داده‌اند، و اخیراً ۳۲ نفر از مردم این نواحی راه قتل رسانده و اصولاً مدتی است شبکه وسیع ترور مبارزین افغانی را در مناطق مرزی پاکستان توسط سازمان جاسوسی روسیه (کا - ک - ب) سازمان داده‌اند، معنی "هشدار" خبرگزاری "تاس" و مقایسه

سند و چهارشنبه ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت تحریم هوائی ایران را مورد تجاوز قرار داده، دهکده‌های مرزی را بمباران کرده و دوتنفر از اهالی محل را به قتل رساندند. اکنون که نیروهای تجاوزگر روسی، علیرغم اعزام قوای تازه نفس به اطراف کابل، دچار مشکلات هرچه بیشتری در سرکوب مقاومت مسلحانه و نیرومند توده‌های مردم افغانستان شده‌اند، اکنون که ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران اولین قدمهای موثر برای پشتیبانی از مبارزه مسلحانه خلق افغانستان را به پیش برداشته‌اند، زمامداران جهان‌خوار کرملین تصور میکنند که با تهدید ایران میتوانند خلق افغانستان را دچار انزوا کرده و مقاومت آن را در هم شکنند. این منطق عیناً همان منطق امپریالیستهای امریکائی بود که پس از تجاوز به ویتنام و اشغال کشورهای همسایه ویتنام "پناهگاه" جنگجویان ویتنامی است، بایک کودتا رژیم مستقل کامبوج را سرنگون کردند و خاک کامبوج را نیز به اشغال نظامیان وحشی خود درآوردند.

(۳) این "هشدار" کرملین به ایران درست در زمانی صورت میگیرد که یک هیات اقتصادی به ریاست آقای رضا سلیمی، وزیر اقتصاد، برای عقد قراردادهائی به مسکو رفته است. زمامداران کرملین که مدعی "دوستی" با خلق ایران هستند، هشدار خود را درست با سفر هیات ایرانی به شوروی همزمان میسازند. معنی این عمل چیست جز کوشش برای اعمال فشار به ایران و ارباب و تهدید علیه آن و وادار کردن ایران به عقب نشینی در مورد دفاع از جنبش خلق افغانستان در ازای قبول کمک های شوروی؟ بعلاوه، خبرگزاری "تاس" در هشدار خود مضمون این معامله گری کثیف امپریالیستی را بروشنی اعلام میکند: "دولت شوروی از زمان گروگانگیری ۵۳ امریکائی در ایران روش دوستانه‌ای را با این کشور در پیش گرفته است و هنگامی که امریکای راهبهای آبی خود را بروی ایران بست اجازه داد کالاهای مورد احتیاج از طریق خاک شوروی به ایران حمل شود و در حالیکه ایران کمکهای شوروی را قبول کرده است (دروغی که با واقعیت منطبق نیست) با اینحال رهبران اسلامی دخالتهای شوروی در افغانستان را محکوم میکنند.

معنی این جملات کاملاً روشن است: تزارهای کرملین با صراحت به ایران اعلام میکنند: اگر میخواهید

سایه‌ها علیه کشورهای جهان سوم بکار برد، لکن اکنون سوسیال امپریالیستهای روسی که از امپریالیستهای امریکائی و قوی‌تر و گستاخ - تراند جرات میکنند همین زبان را با رژیم مستقل و ملی ایران بکار بندند. زهی وقاحت و بیشرمی!

(۴) "هشدار" کرملین به ایران در زمانی صورت میگیرد که مشکلات داخلی فزونی یافته و اختلافات میان جناحهای حاکمین بالا گرفته‌است. ابرقدرتها و عمالشان بخصوص ابرقدرت روسیه و عمالشان خود در ایجاد این مشکلات و تشدید آنها، در ایجاد تفرقه میان نیروهای ملی و اسلامی و دامن زدن به آنها، مبتکر و طراح اصلی بشمار میروند، اکنون میکوشند از آبی که خود گل آلود کرده‌اند ماهی بگیرند. آنها با "هشدار" و تهدید خود میکوشند

جناح مداراجو و فیرقاطع در جمهوری اسلامی ایران را ترسانده و آنها را علیه جناح قاطع ضد دو ابر قدرت بسیج کنند و از این دو دستگی به سود خود بهره برند. درست به همین دلیل است که هم خبرگزاری "تاس" وهم روس نام "مردم ارگان دارودسته" کمانوروی در حزب توده، حملات خود را بروی وزیر امور خارجه ایران که بمنابیه سخنگوی سیاست خارجی ایران بیانکننده مواضع راستین نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی است متمرکز میکنند. غافل از اینکه جناح قاطع ضد امپریالیست در حقیقت اکثریت قاطع و قریب باتفاق خلق ایران و هیات حاکمه و رهبری جمهوری اسلامی است و تحریکات ابر هرچه بیشتر نتیجه‌ای جز قاطعیت ملت ما در مبارزه علیه ابرقدرت روس نخواهد داشت.

پاسخ خلق ما به این تحریکات و تهدیدات ابرقدرت روس چیست و چه باید باشد؟ پاسخمای همان پاسخی است که به ابرقدرت امپریالیست آمریکا داده‌ایم و میدهیم: پاسخی قاطع و دندان شکن. امام خمینی در برابر تهدیدات نظامی آمریکا، چند ماه پیش، اعلام کردند که در برابر عزم راسخ تمامی یک ملت که حاضر به مبارزه تا پای جان برای کسب کامل استقلال است، "آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند". این سخن تاریخی بیان درست ماهیت مناسبات میان یک ملت مبارز و کلیه قدرتها و ابر قدرتهاست استعمارگر و استیلاگر تاریخ است. آری آن زمان که خلقی مصمم به مبارزه تا پیروزی کامل شود، آن زمان که خلقی بیدار شود و هوشیار،

باید آنها را جدی گرفت، لکن از دید دراز مدت، شکست آنها در برابر خلقها حتمی است. آیت الله منتظری نیز چندی پیش در بیان موجز و گویائی گفتند: "ابرقدرتها شیر برقی هستند، یعنی همین که در برابر شعله‌های خشم خلقها قرار گیرند آب میشوند و از هیبت ترسناک آنها چیزی باقی نمی‌ماند.

ملت ما با پیروزی تاریخی خود بر رژیم وابسته به امریکای شاه، درس بزرگی به امپریالیسم برمدعا و جنایتکار آمریکا داد. لکن اکنون بنظر میرسد که ابرقدرت شوروی از این تجربه، درسی نگرفته و میخواهد راه آزموده و شکست خورده آمریکا را دوباره بیازماید. ملت ما باید کاملاً هوشیار باشد و آماده برای اینکه به روسیه هم همان درسی را دهد که به آمریکا داد.

ملت افغانستان هم اکنون سرگرم دادن این درس به امپریالیسم روسیاست، درسی که آمریکا در ویتنام گرفت. مبارزه ملت ما از ملت افغانستان جدا نیست. ملت افغانستان دقیقاً برای آزادی و استقلال ایران نیز می‌جنگد، زیرا هر چه غول روسی در افغانستان بیشتر ضربه بخورد، نفش در تجاوز آتی به ایران زودتر بریده خواهد شد. ملت و دولت ایران نمی‌تواند سروزنی تسلیم ارباب و تهدید شوروی شود و دست از حمایت از جنبش خلق افغانستان بردارد. از آنجا که روشن است نیروهای نظامی شوروی به هیچ وجه خیال خارج شدن از افغانستان را نداشته و برعکس هر روز بر تعداد نظامیان و تانکهای خود در این کشور می‌افزایند، و هر روز تهدید خود را بر مرزهای ایران افزایش می‌دهند، ملت و دولت ایران نیز راهی ندارد جز تقویت حمایت و همبستگی همه جانبه خود با خلق افغانستان.

ملت ایران و کلیه نیروهای استقلال طلب باید در برابر انواع خدعه‌ها و نیرنگهای ابرقدرت‌ها و بخصوص ابر قدرت روس و عمال آن در جهت دامن زدن به تفرقه و نفاق میان نیروهای ملی شدیداً هوشیار باشد و وحدت ضد امپریالیستی نه شرقی نه غربی "خود را تحت رهبری امام خمینی حفظ و تحکیم نمایند. تنها بادنبال کردن یک سیاست ضد امپریالیستی در تمام زمینه‌ها و بسیج و آگاه و متشکل کردن توده‌های خلق است که قادر خواهیم بود پیروزی نهائی را تضمین کنیم و باجرات بگوئیم: آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند، روسیه هم هیچ غلطی نمیتواند بکند.

روستاهای محروم سیستان را دریابید

کمیسیون ماشین آلات مشکلات فراوانی برای کارگران ایجاد کرده است.
برای ۸۰۰ روستا در سیستان تنها ۳ کمباین و ۱۳ تراکتور موجود است



کهنوج - رودبار (جیرفت)

تروریک زحمتکش توسط ایادی طاغوتیان

زحمتکشان چنان است که یکی از کشاورزان از ترس جان خود و فرزندانش زمین خود را رها کرده و فراری شده است.

برای اهالی کهنوج سئوالهای زیادی پیدا شده: آیا سرنوشت زحمتکشان در کشور انقلابی چنین است؟ آیا قول مقامات دربر آوردن خواستههای ستمدیدگان که در انقلاب جانبازی کرده اند اینطور اجرا میشود؟ سرنوشت زحمتکشان و انقلاب چیست؟ افراد محروم این منطقه عاجلترین خواستههای خود را چنین مطرح ساختهاند:

- ۱- محاکمه فوری مدک جانی و اجرای حکم اعدام در مورد وی.
 - ۲- سرکوب ضدانقلاب در منطقه (خوانین و زمینداران بزرگ و ایادی مسلح آنها) با تکیه به نیروی عظیم زحمتکشان.
 - ۳- جلوگیری از نفوذ روزافزون این ظالمین برای تحقق شعارته شرقی - نه غربی و حراست از انقلاب.
 - ۴- خلع سلاح خانها و زمینداران بزرگ. از آنجا که بمحض صدور دستور خلع سلاح، زحمتکشان منطقه اسلحههای خود را تحویل داده اند و در مقابل ضدانقلاب خلع سلاح شده اند، روستائیان خواستار خلع سلاح ضد انقلاب نیز میباشند.
- زحمتکشان شهر روستا نیروی اصلی انقلاب ایران بوده اند. آنها حادثه ترین مبارزه را در دوره انقلاب کرده اند و چه در دوران طاغوت و چه اکنون تحت بیشترین فشارها قرار دارند. در صورتی می توانیم به کسب استقلال ناقل آمده و پرروی دویای خود متکی باشیم که نیروی اصلی انقلاب، حمایت خود را از آن دریغ نوزد. و این نیز در صورتی امکان پذیر است که به خواستههای آنها احترام گذاشته شود و از فشار شدید طاغوتیان نجات داده شوند.

در منطقه کهنوج - رودبار (جیرفت) عده زیادی از کشاورزان و عشایر زحمتکش زندگی می کنند. در این منطقه خانها و زمینداران بزرگ با استفاده از اوضاع آشفته مملکت بنفع خود به آزار زحمتکشان می پردازند. چیره خواران و یادوهای آنها نیز که از انقلاب متضرر شده اند، اکنون در کمیته هانفوذ کرده و به طرفداری از ضد انقلاب، مردم زحمتکش را سرکوب می کنند. چنانکه چندی پیش در منطقه سرگریج (معروف به کهنوج سیدخان) راننده جلال الدین امیر سعیدی مالکی، زمیندار طاغوتی یکی از مردم زحمتکش این ناحیه را بضرط گلوله از پای در میاوردولی پیرونده وی را کد مانه است.

ماجرای این قرار بود که زحمتکشی بنام آقامراد برای امرار معاشی یک دهه بنزین فروشی باز کرده است، راننده امیر سعیدی که به "مدک" معروف است، چندی پیش از پرداخت پول بنزین امتناع می ورزد. آقامراد، علت نپرداختن پول را سوال می کند و میگوید: "شماها بیشتر پول دارید باید بیشتر به ما کمک کنید نه اینکه بازور و قلندری حق ما را بخورید". مدک بدون آنکه حرفی بزند بظرف ماشین می رود و در حالی که آقامراد فکر میکرد میخواست پولش را ببرد ازاد، هدف گلوله برنوی وی قرار میگیرد و از یاد میآید.

این نمونه هشتی از خسروار احقاقاتی است که بر زحمتکشان وارد میشود. این ماجرا نیز ما را بیاد ماجرای قلندری راننده ثابتی، مغز متفکر ساواک می اندازد.

پشتگرمی مدک و مدکهای دیگر به کیست؟ جز به طاغوتیان و ایادی مسلح آنها؟

چرا پس از انقلاب نیز آنها باید از چنین نیروی برخوردار باشند؟ در این منطقه وضع امنیت و آسایش

داریم، این تعداد کم کمباین با کار مداوم خود فقط توانسته اند ۲۰ روستا را درو کنند و باقی روستاها مانده است و روستائیان خود دست به کار شده اند. روستائیان اغلب به امید گرفتن کمباین و تراکتور برای کوبیدن خرمن مراجعه میکنند ولی کمباید وسایل نمی تواند پاسخگوی آنان باشد.

ما توجه مسئولین مملکتی و استان را به این مسئله جلب میکنیم. فرصت زیادی به پایان زمان برداشت گندم در سیستان نمانده است و باید برای سال آینده فکر اساسی کرد و با امکانات موجود و بر اساس طرح و برنامه ای از قبل پیش بینی شده از همین امکانات سود برد. هم اکنون باید قبل از فصل کشت آینده گندم، زمینهای ناهموار توسط گرودر یا تراکتور، هموار شود تا سال دیگر هنگام درو گندم با کمباین مشکلی ایجاد نشود.

احساس میشود، کمباید کمباین و تراکتور است. با توجه به آنکه در سیستان ۸۰۰ روستا وجود دارد، ۳ کمباین و ۱۳ تراکتور بسیار ناچیز است و این کمباید باعث شده تا گندمها با خطر نابودی روبرو گردند. کمباید نیروی تخصصی هم بسیار شدید احساس میشود و فعلاً در این منطقه وسیع کشاورزی، فقط یک مهندس کشاورزی در جهاد سازندگی زابل کار میکند. چون فصل برداشت و درو گندم در کشور یکسان و همزمان نیست، نمیتوانستند از شهرهای دیگر خصوصاً کمباین را برای استفاده به سیستان بیاورند که در این مورد کوتاهی شده است. مسئولین استان و جهاد سازندگی باید با توجه به حجم و وسعت کار در این مورد پیش بینی های لازم را میکردند.

در بعضی از زمین ها هم به علت ناهموار بودن زمین، کمباین می توانست مورد استفاده قرار گیرد. طبق آماری که مادر دست

کاشته اند. سیل ناپهنگام اواخر اسفند ماه ۵۸، تا حدودی به زمینهای زراعی سیستان آسیب رساند، اما امسال محصول گندم در سیستان بسیار خوب بوده است و گندم زیادی بار آمد.

در سالهای گذشته اغلب روستائیان، خرمنها را به شیوه قدیمی و باداس درو میکردند و به ندرت از کمباینهای موجود که متعلق به اداره تعاون و امور روستاها بود استفاده میشد. (در قبایل برداشتی که این کمباینها میکردند، ۱۲ تا ۱۵ درصد حق الزحمه دریافت می نمودند). امسال جهاد سازندگی زابل با ۳ دستگاه کمباین و ۱۳ تراکتور برای کوبیدن خرمن به کمک روستائیان شتافت که در بسیاری موارد دریافت حق الزحمه کمباین، درصد کمتری نسبت به سالهای گذشته بود و از دهقانان فقیر نیز، حق الزحمه ای دریافت نشد. اما مسئله ای که شدیداً

سیستان، سرزمینی که روزی به آن انبار گندم ایران لقب داده بودند، پس از انقلاب، میباید که با تمام مشکلاتی که جلوی کار کشاورزان و دهقانان زحمتکش سیستانی را میگردد، دوباره چهره خود را باز یابد و خرمنهای زرین گندم، دوباره جای خود را در دستهای حاصلخیز و وسیع سیستان بیابد.

در طول ۱۵ ماه گذشته، بارها صحبت از تقسیم زمین فئودالها و خوانین سیستانی شنیده شد. با آنکه در مورد واگذاری پیمپهای آب به دهقانان سیستانی (که همیشه درصد مهمی از دسترنج دهقانان را به جیب اربابان و خوانین سرازیر می کرده است) صحبت شده است و با آنکه روستائیان زحمتکش سیستانی ما همواره با کمباید ما محتاج اولیه زندگی از قبیل روغن و برنج و ... روبرو هستند، اما دست از مبارزه برای تولید بر نداشته اند. این روستائیان زحمتکش و ستمدیده تا آنجا که در توان داشته اند، کوشیده اند و

نامه یک کارگر قهوه خانه

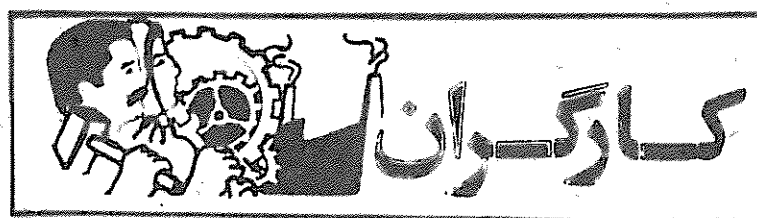
به خواستههای کارگران زحمتکش قهوه خانه ها سریعاً رسیدگی کنید

کدیمین و عرق جبین کار میکنید و زحمت میکنید، هیچ چیز نبرد؟ اگر مسئله بر سر مالکیت است، از کجا آورده اند و اگر کار کرده اند کارگری هم که ۲۰ سال کار کرده است، چرا شام شب ندارد؟ چرا باید آن کارفرما آنقدر درآمد داشته باشد که نداند با آن چه بکند و یک کارگر قهوه خانه حسرت فرستادن فرزندش را به مدرسه بکشد؟

آری هموطن! این دردهای درونی ما کارگران و زحمتکشان و طبقه مستضعف ایران میباشد. در زیر ما چندین خواست خود را مینویسیم و

هموطن! آنچه که در این روزنامه ملاحظه میفرمائید، حقایقی است تکان دهنده از طبقه کارگر و زحمتکشان که از بام تا شام زحمت میکنند و کار میکنند تا جرخ اقتصاد این مملکت بگردد.

آنچه را که من بازگو میکنم، حقایقی است از زندگی کارگران قهوه خانه های سراسر کشور و بویژه در تهران. کارگرانی که بدون مزایا زحمت میکنند و حاصل دسترنج این زحمتکشان بچی عده ای دیگر میریزد. ما کارگران قهوه خانه ها، سال را که دوازده ماه است ساعت ۴ یا



کارگران! دردهای یک شاگرد بنا نباید برای ما کمرخم شده بماند و برای مستکبرین ستونهای کاخ!

حدود ۲۰ - ۲۴ سال بیشتر ندارد ولی خیلی بیترتیبتر میرسد. شاگرد بنایی میکند، کارمندی پیدا نمیکند، گاهی هست، گاهی هم

۵ صبح از خواب بیدار میشویم و تا ساعت ۱۰ یا ۱۱ شب کار میکنیم و زحمت میکشیم و نان میخوریم. هموطنان! اگر برادران کارگر ما کم و بیش از مزایای بیمه، اضافه کار، عیدی، مرخصی و غیره برخوردارند، به خدا قسم که کارگران قهوه‌خانه‌ها دیناری حتی اضافه کار هم دریافت نمیکنند. اگر شکایت کنند به آنها وصله ضد انقلابی بودن و هزاران وصله دیگر می‌چسبانند، مگر کارگر قهوه‌خانه انسان نیست؟ مگر کارگر قهوه‌خانه بشر و هموطن و برادر دینی شما نیست؟ چرا یک کارگر قهوه‌خانه نمیتواند کوچکترین خواست خانواده‌اش را برآورده کند؟ چرا دختر کارگر قهوه‌خانه باید در خانه بماند و محبت تشکیل خانواده‌ها را به دل داشته باشد؟ آیا گناهش این است که پدرش یک کارگر ساده‌است. چرا یک کارگر قهوه‌خانه باید در آرزوی داماد کردن پسرش بسوزد؟ آیا باید کارگری که بین ۱۵ تا ۱۸ ساعت کار میکند، دستمزد ناچیزی در حد ۳۵ تا ۶۰ تومان در روز دریافت دارد؟ آخر مساوات، برابری و برادری کجاست، چرا باید عده معدودی استفاده‌های کلان ببرند و کارگری که از صبح تا شام از

میخواهیم که هر چه زودتر به آن رسیدگی کنند.

- ۱- کاهش دادن ساعت کار یعنی دوشیفتی‌کار کردن
- ۲- دریافت حقوق مناسب که با آن بتوان در شرایط موجود زندگی کرد.
- ۳- دریافت کامل اضافه حقوق، حداقل دریکسال گذشته.
- ۴- بیمه، مزایا و مرخصی و عیدی و یاداش.
- ۵- حداقل یکروز استراحت در هفته با حقوق.
- ۶- تامین بهداشت، فرهنگ و کمک و مساعدت به کارگران.
- ۷- تامین حق بازنشستگی و از کارافتادگی.
- ۸- تامین صندوق بیمه بیکاری جهت کارگران بیکار.
- ۹- جلوگیری از اخراج و به کار گماردن فوری کارگران اخراجی به سرکار خود.

با آرزوی به ثمر رسیدن شعار: نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی آباد و مستقل و منکی بخود! کارگر قهوه‌خانه

نیست. چون بیسواد است فقط به فعلگی و کار روزمزدی برود. زن و دویچه کوچک دارد. در حالیکه بلوکها را روی بتون می‌چید و تراز می‌کند برابم کمی درد دل کرد. حرفهایش را خیلی دقیق میزد. کلمات راستگین ادا میکرد مثل اینکه با تک‌تک آنها می‌خواهد یک چیز را بیان کند: فقرو در بدری، ترس از بی‌پناهی را در چشمهایش میخواندم.

به سیمان حساسیت دارم. (روی دستهایش تا آرنج دانه‌های متورمی زده بود که آب زرد پس میداد) وقتی تاولها خشک میشد، عذابش کم‌تر است. دکتر گفته کارنگن، استراحت کن، نفس‌اش از جای گرم بلند میشود. خوب حق هم دارد. تازه اگر بخوایم گرم را عوض کنیم، کوسرمایه؟ اوستا آدم خوب و با انصافی است. اگر قرض بخوایم میدهد. تمام زمستان بیکار بودم. اوستا رفت گجساران ولی من که نمی‌توانستم زن و دوتا بچه کوچکم را در خانه بی دروپیکر، بی‌غذا بی‌دوا ول کنم و بروم. گاهای دیگر هم مثل فلز کاری و جوشکاری بلد می‌گرم نمیاید.

در حالیکه دیوار می‌ساخت

نمود. در ویگیری از حلی است فقط یک اتاق دارد، زمستونها یخ میزند و تابستونها از گرما آلو میگردد.

از انقلاب و وضع زحمتکش بعد از انقلاب گفت:

"بعد از انقلاب هیچ تغییری زندگیمان بوجود نیامده بجز ۶ ماه بیکاری بعضی‌ها فکر میکنند باید بگروزه همه چیز را دولت درست کند ولی من فکر میکنم کشورمان حالا راه درازی را در پیش دارد. ما هنوز ثمر انقلاب را نچشیده‌ایم که ببینیم تلخ است یا شیرین نباید قصاص قبل از جنایت کنیم و سر مخالفت برداریم. من حتی دنبال زمین هم نرفتم. گفتم شاید روی مرا زمین بندازند حالا فقط یک چیز می‌خواهم آنهم اینکه کشور آرام بگیرد. توی گردستان دارد آدم گشته میشود. برادرهای خودمان که حقشان را می‌خواهند ولی آنها رابه بیراهه میکشند. دلم می‌خواست میرفتم بسیج ولی قوه‌اش را ندارم. نمی‌دانم چرا این جوانها سر مخالفت با دولت دارند. مگر ایرانی نیستند. نباید به خارجی کمک کنند. آخر بایهم زدن آرامش مملکت، خارجی صرفه‌اش را میبرد و ما ضررش

وقتی با همسایه خودمان دعوا داریم، باید توی خانه یکی بشویم بعد به دعوای خودمان برسیم. من ۶ ماه بیکاری را تحمل کردم فقط یک چیز می‌خواستم، عدالت اسلام برقرار بشه و امنیت که خارجی نتواند توی کشورمان نفوذ کند. وقتی میگویم توقعی ندارم، یعنی صبرو تحمل میکنم نه اینکه یک دیوار به کلفتی ۴۰ سانت باشد و خانه من و مثل من از یک حلی به باریکی یک قیطان درست بشود. اینست عدالت؟ من سواد ندارم ولی میفهمم که جوانها از کارگر میکن، درست میکن. بدست ماست که دیوارها بالا میروند و ستونها محکم میشود ولی نباید برای ما فقط دست تاول زده که آب زرد از تاولهایش بیرون می‌آید و کمر خم شده بماند و برای مستکبرین ستونهای کاخ." جند روز بعد که خانواده‌اش را دیدم، بچهاش از تب سیاه سرفه می‌ساخت. فکر کردم حالا پدر این بچه زیر آفتاب داغ دیوار ۴۰ - ۵۰ سانتی می‌سازد و اینها در این چهار دیواری که بهتر است گفته‌شود کوره آهن، می‌سوزند.

اعتصاب باراندازان سوئد

بدنبال اعتصاب ماه گذشته باراندازان سوئد، اتحادیه کارگران بنادر این کشور چهارشنبه گذشته رأی به پایان یافتن اعتصاب و بازگشت کارگران اعتصابی به سرکارهای خود داد. کارگران اعتصابی ۶/۸ درصد افزایش دستمزدی را که بدنبال تظاهرات ماه پیش کارگران توسط سایر اتحادیه‌ها مذاکره شده بود پذیرفتند و به اعتصاب خود خاتمه دادند. کارگران خواستار ۳۰ درصد اضافه دستمزد، بهبود شرایط کار، و حق اضا قرار دادهای جداگانه شده بودند.

اعتصاب که بمدت ۶ هفته طول کشید باعث از کار افتادن حدود سی بندر سوئد و درهم ریختن صنعت صادرات این کشور شد و تاثیر بسیار مهمی بر تجارت خارجی سوئد باقی گذاشت.

خیر این اعتصاب درهمن زمان در "رنجبر" شماره ۵۳ چاپ شد.

نامه ۱۴ تن کارمند اخراجی کارخانه نیشکر هفت تپه

جمعی از کارمندان کشت و صنعت نیشکر هفت تپه که اخراج شده‌اند طی نامه‌ای به وزیر کشاورزی نظرات خود درباره ضعف مدیریت این صنعت و علل خسارات فوق العاده به تولید و تشنج محیط را اعلام کرده‌اند. این کارمندان رونوشت نامه را از طریق هواداران "رنجبر" جهت درج به دفتر "رنجبر" ارسال داشتند.

ما بعزت کعبود جاقسمت هابی از نامه را درج می‌کنیم، به این امید که مورد توجه مسئولین قرار گیرد.

قیمت جوانی خود کسب نموده‌اند در خدمت این صنعت قرارداده‌اند به استحضار میرساند:

سیس با اشاره به زیان سرسام آورسال جاری در مقایسه با تولید فوق العاده بالای سال گذشته بعزت سوه مدیریت چنین ادامه میدهد: بدون در نظر گرفتن مصالح این شرکت و لزوم مدیریت آگاه و مسلط برای اداره آن از طرف مقامات مسئول وزارت کشاورزی به سرپرستی شرکت نیشکر منسوب گردیده خود سابقه تاریک در اداره شرکت نیشکر کارون داشته است. شرکت کارون که تحت مدیریت ایشان اداره میشود شرکت است که در حال حاضر به یم اداره حضرات ورکشته‌ها و شفته و درهم که نارگرم سازی و آمارهای واهی می‌خواهند آنرا سوپا جلوه دهند. مدیریت حتی برای موجه جلوه دادن اعمال و راضی نمودن مقامات کشور در مورد تاءمین بودجه‌های پیشنهادی خود

مدیریت غلط علت اساسی کاهش تولید و تشنج در این محیط است.

در تلویزیون سیمای جمهوری اسلامی ایران فیلمی را که مربوط به سالهای گذشته شرکت مذکور بوده است به عنوان وضع موجود شرکت به نمایش گذاشت تا بدینوسیله افکار عمومی را به گمراهی بکشاند، شرکت کارون در حال حاضر حدود ۴۵۰۰ هکتار نیشکر قابل برداشت را که با سوه مدیریت از حیز ارتفاع خارج و با وجودیکه میتوانست رقمی حداقل معادل ۱۰ تن بازده سرگرد هکتار داشته باشد با پرداخت هزینه هکتاری ۲۰۰۰۰۰ ریال بدست آتش سیرد.

مدیریت حال برای توجیه ندانم کاریهای خود مسائلی از قبیل بارندگی و سرمازدگی را بعنوان عوامل اصلی کاهش تولید مطرح مینماید و

کارمندان زحمتکش شرکت نمود و به کارگران چنان وانمود کرد که عامل تمام نارسائیهای زندگی آنان کارمند ان شرکت میباشد، غافل از اینکه تولید با تقسیم کار و همکاری دوجانبه کارگران شریف و کارمندان وظیفه شانس شرکت میسر است و لاغیرویکی بدون دیگری یکدست است که صد ندارد دلیل بارز آن همکاری کارگر و کارمند در سال گذشته تولید افسانه‌ای ۱۰۶ هزار تن شکر میباشد.

مدیریت در اجرای نیت شوم خود برای سرکوبی این واحد تولیدی شروع به کنار گذاردن زبده ترین کارشناسان ایرانی که بعضاً شهرتی در سطح جهانی در تحقیقات نیشکر دارند نمود اگر این کار یعنی قرار دادن مغز های متفکر در امر تولید نیشکر رانقشهای برای محتاج کردن و وابستگی علمی و تجربی هر چه بیشتر مملکت به امپریالیسم جهان‌خوار بین الملل و نیازمند ساختن صنعت نیشکر ایران به اطلاعات و مراکز تحقیقات و

مدیران آنها نام نگذاریم چه میتوان نامید؟ مضافاً مدیریت به روش محیلانه و ناموفق با باج دادن به عده معدودی از یادی خود با طومار سازی و جمع آوری اضا از گروهی از کارگران پاک ضمیر و ساده دل شرکت به هنگام دریافت عیدی و یاداش و استفاده از اضا و اثر انگشت آنان برای سرکوبی آن عده از کارمندان قدیمی و باتجربه شرکت که برای این صنعت دل می‌سوزانند سرپوش بر اعمال سوه و مدیریت غلط و نقاط ضعف خود نزد مقامات مملکتی می‌گذارد.

امید است با توجه به مسائل فوق هر چه زودتر باگزینش مدیران کار آمد این دوشرکت را نه تنها از اتکاء به وجوه حاصله از درآمد نفت بلکه از اضمحلال و نابودی نجات دهد و به اظهار نظر افرادی ناآگاه عطف توجه نفرمائید، انتظار دارد دستور فرمائید در اسرع وقت با اعزام نمایندگان و بازرسی بی طرف و مورد اعتماد در محل بمسائل مذکور که مدارک آن کلا موجود است رسیدگی به عمل آورید.

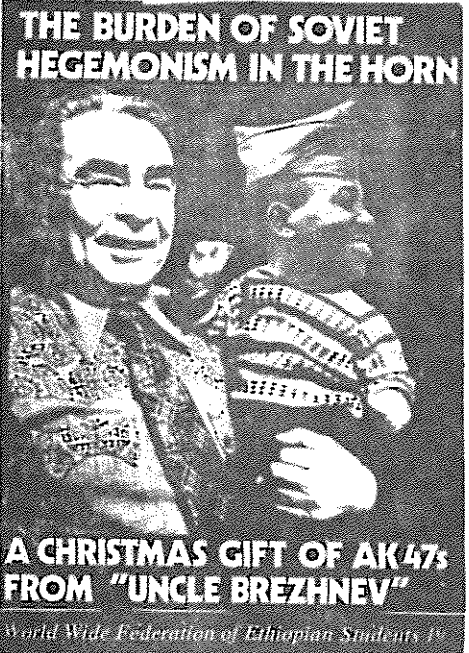
باتقدیم احترام - جمعی از کارمندان کشت و صنعت نیشکر هفت تپه.

اهداف توسعه طلبانه سوسیال-امپریالیسم شوروی در شاخ افریقا

شوروی در شاخ افریقا

نفوذ نظامی: مهره اصلی استراتژی عمومی شوروی برای تسلط بر اقیانوس

پیاده شدن نقشه استراتژیک سوسیال امپریالیسم شوروی برای محاصره اروپا و برآمدن آختن جنگ جهانی دیگری از چهار کانون آفریقای جنوبی، شاخ افریقا، حوزه خلیج فارس و جنوب شرقی آسیا می گذرد. شناخت از سیاست های توسعه طلبانه شوروی در شاخ افریقا و مشخصا "در اقیانوس" به پیشبرد مبارزات ایستادگی انقلابی علیه ابرقدرتها و بویژه امپریالیسم شوروی که در مرزهای شرقی و شمالی میهن ما کمین کرده است کمک شایانی مینماید. بدین جهت مقاله های از نشریه "نبرد" ارگان اتحادیه سراسری دانشجویان اقیانوس که در شماره سال گذشته این نشریه بچاپ رسیده است ترجمه و با مختصر تغییراتی در زیر می آوریم.



World Wide Federation of Ethiopian Students

نگیستودر آغوش برزنف (بوستر تبلیغاتی اتحادیه جهانی دانشجویان اقیانوس)

دارای بیش از ۶۲۵ تانک در مقایسه با ۱۴۰ عدد تانک در دو سال پیش و ۱۰۰ هواپیمای جنگی در مقایسه با ۳۵ عدد در سال پیش، میباشند. ارتش حبشه در حال حاضر از ۹ لشکر (۹۰۰۰۰ نفر) و میلیشای قوی صدهزار نفری در مقایسه با ۵ لشکر عادی در سال ۱۹۷۷ تشکیل شده است.

سوسیال امپریالیستهای شوروی این دستگاه عظیم نظامی را نه تنها برای خرد کردن قیام های مردمی داخل اقیانوس بلکه بعنوان ابزاری برای تجاوز و توسعه در آفریقا و خاور میانه بوجود آورده است. در حقیقت حتی رژیم خود فروخته نظامی کوش در حقیقی نگهداشتن نقشه خود برای استفاده از ارتش اقیانوس یعنی بنوعی ان گشت دم توب توسعه طلبی ها و تجاوزات شوروی نمیکند. بعنوان مثال میتوان برای سخنرانی منگیستو در سپتامبر ۷۸ هنگام رژه سالیانه اشاره کرد که گفت: "ارتش اقیانوس نه تنها برای حقوق ملی بلکه برای صلح، سوسیالیسم و رفاهاتی تمامی توده های تحت ستم در جهان مبارزه میکند" و اینکه ارتش حبشه بدون لحظه ای وقفه همواره در کنسار توده های استثمار شده و نیروهای مترقی جهان خواهد ایستاد. منگیستو همچنین اظهار داشت: "ما مصمانه متعهد میشویم که دیون خود را از طریق ائتلاف سوسیالیسم بین المللی در مقابل کمک هایی که به ما شده (توسط شوروی و دست نشاندهانش) بپردازیم." اگر اصطلاحات و کلیشه های مارکسیستی این صحبت ها را به کناری بگذاریم، سخنان منگیستو "دین" خود را با خون و زندگی مردم زحمتکش اقیانوس پرداخت خواهد کرد.

کک های لژیستیکی رابه این تهاجم حکومت نظامی کردند. بعنوان مثال ستون مکانیزه حکومت نظامی باکک، پل های سیار روسی در تابستان ۷۸ از رودخانه "تاکاز" گذشتند.

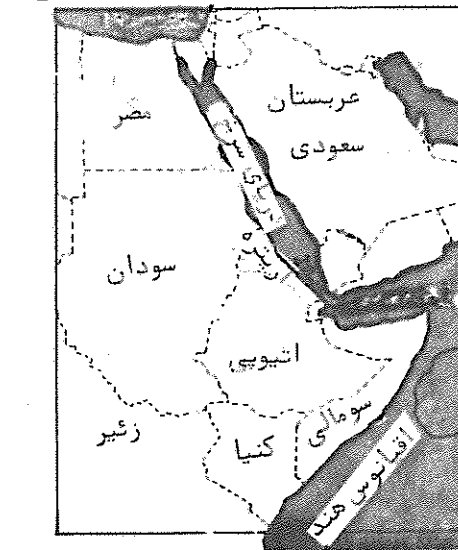
شوروی و کوبا در طول مرحله بحرانی حمله حکومت نظامی به "کرن" در دسامبر ۷۸ ابعاد فزاینده جدیدی گرفت. در جنگ "کرن" افراد نظامی شوروی و کوبا از سلاح های ممنوع شده بین المللی از قبیل بمب های تا پالم فسفری و گلاستر برای قتل عمام بیرحمانه مردم بی سلاح استفاده کردند. طبق گزارش های جبهه آزادیبخش اریتره حلات راهزنانه هوایی که توسط خلبانان کوبایی و شوروی هدایت میشد تنها در این جنگ ۱۷۴ دهکده رادر کنار جاده "اسارا-کره" با خاک یکسان کرد و باعث بی خانمانی بیش از صدها هزار نفر ساکنین آنها شدند.

بنابراین بخوبی میتوان دید که سوسیال امپریالیست های شوروی و دست نشاندهان کوبایی شان علیرغم صحبت های ظاهری درباره "راه حل صلح آمیز" و "مذاکرات"، در سرکوب مبارزات مردم اریتره برای تعیین سرنوشت خویش نقش مستقیم داشته اند. همچنین این یک حقیقت انکار ناپذیر است که سوسیال امپریالیسم شوروی طراح اصلی اقدامات فاشیستی حکومت نظامی از قبیل "کار زار توپرسرخ"، "تعمیر خانه به خانه" و گاززار اظهار ندامت "که اقیانوس رابه یک بازداشتگاه وسیع که در آن ترور و شکنجه انقلابی گولاگ میکند بوده است.

بنابراین میتوان جمع بندی کرد که هدف اصلی حضور نظامی شوروی - کوبا در اقیانوس ضمانت بقا رژیم خود فروخته نظامی و کمک در سرکوب تمامی نهضت های مردمی ملی میباشد.

زاتوبه ۱۹۷۸ انجام دادند و در ماههای بعد، افراد نظامی کوبا تحت فرماندهی ژنرال های شوروی در طرح و بعمل در آوردن تهاجم "کشتار همه، سوزاندن همه چیز و غارت همه چیز" در اوگاندر شرکت کردند.

یک گردان زرهی کوبایی در تجاوز به داگابور، فیک، کبری دهار و دیگر مراکز پرجمعیت اوگاندر شرکت داشتند. علیرغم عقب نشینی رسمی نیروهای سوماتی از اوگاندر، نیروهای کوبایی مستقر شده در آنجا، گاه به گاه حملات راهزنانه هوایی به اصطلاح "عملیات جارویی" ماموریتهای "یافتن و نابود کردن" بدون کوچکترین تناوبی با آنچه که آمریکا در پیغام انجام میداد، ادامه میدهند. این حملات و ماموریت با اقیانوس را با افکار سیاسی - نظامی



چنان تفاوت و بدون تعیض انجام میگردد که تاکنون بیش از صدها هزار نفر از بومیان اوگاندر زندگی خود را رها کرده اند و تبدیل به آوارگاه شده اند. جغایاتی که سوسیال امپریالیسم شوروی در اوگاندر مرتکب شده و هنوز هم میشود نمونه روشنی

از اتحادیه سراسری دانشجویان اقیانوس

- ۷ - سیستم های خودرو ضد هوایی ۲۲/۴.
- ۸ - موشک های ضد تانک.
- ۹ - موشک های زمین به هوای سام ۲ و سام ۳.

سیر تکاملی وابستگی کامل اقیانوس به کالای نظامی شوروی بسادگی قابل توضیح است. چنانکه تجربه مصر، سوماتی و دیگر کشورها هم به همین اندازه، دال بر این مدعاست که انحصار منبع فروشی اسلحه، حربه نیرومندی در دست سوسیال امپریالیست ها برای دخالت در امور داخلی کشورهای گیرنده با اصطلاح کک میباشد. نحوه کک چگونگی کک کردن یا اصلا کک نکردن، زمان کک کردن، نوع اسلحه های ارسالی و نوع اسلحه هایی که نمیدهند، زمانی که باید اقساط پرداخت شود یا نشود، تمامی این تصمیمات در برتو منافع منحصربه خود سوسیال امپریالیسم شوروی گرفته میشود و به آنها قدرت زیادی برای ارعاب و تهدید و فشار گذاشتن و امتیاز گرفتن از کشور دریافت کننده میدهد.

بدین صورت روشن میشود که با به انحصار در آوردن منابع فروش اسلحه

قبل از بررسی ماهیت و عواقب نظامی شوروی در اقیانوس مطالعه نقش آن در استراتژی عمومی شوروی برای تسلط بر اقیانوس، آموزنده خواهد بود. این نقش و اهمیت نفوذ نظامی از دیدگاه عمومی استراتژی شوروی برای تبدیل اقیانوس به مستعمره نوین چیست؟ نفوذ نظامی مهره اصلی استراتژی عمومی شوروی را برای تسلط اقیانوس تشکیل میدهد. برای درک این مطلب، ضروریست که به شیوه های مختلفی که از طریق آنها سوسیال امپریالیسم شوروی در کشورهای مختلف جای پا پیدا میکند، توجه کرد.

کنترل اقتصادی و نظامی: اهرم های نفوذ سوسیال - امپریالیسم

در بعضی کشورها، سوسیال امپریالیسم شوروی، نفوذ اولیه خود را در حیطه اقتصادی به پیش میرسد و از آن همانند اهرمی استفاده میکند تا کنترل سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک خود را مستقر نماید. در کشورهای دیگر، نفوذ اولیه اساسا در حیطه نظامی است و با استفاده از کنترل نظامی بعنوان یک اهرم،

جنایات سوسیال امپریالیسم شوروی در اوگاندر نمونه روشنی است از ماهیت وحشیانه و ضد مردمی تزارهای نوین که میلیتاریسم و توسعه طلبی را در زیر نقاب سوسیالیسم اعمال می کنند.

به دستگاه نظامی اقیانوس، چگونه سوسیال امپریالیسم شوروی حربه قدرت مندی را برای تسلط بر حکومت نظامی اقیانوس بدست آورده است.

کنترل اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک خود را مستقر میسازد. انتخاب یکی از این دوره بستگی به اوضاع مشخصی کشور مورد بحث دارد. بعنوان مثال، برای نفوذ استعماری در کوبا، سوسیال امپریالیسم شوروی ابتدا از مشکلات اقتصادی آن کشور استفاده کرد.

اهداف حضور نظامی شوروی - کوبا در اقیانوس

اقتصادی آن کشور بهره برداری نمود. این در زمانی بود که امپریالیسم آمریکا واردات شکر از کوبا را تحریم کرده بود. سوسیال امپریالیسم شوروی با استفاده از مشکلات ناشی از این امر برای کوبا، قرار داد خرید شکر از کوبا را منعقد کرد و در طی سالهای بعد، اقتصاد کوبا را کاملاً وابسته به واردات و صادرات شوروی و مشتقات آن نمود. اقتصاد تک محصولی کوبا زاندهای از اقتصاد شوروی شد و تزارهای کرملین در توسعه تدریجی کنترل خود در حیطه سیاسی، نظامی، فرهنگی، ایدئولوژیک با مشکل زیادی روبرو نشدند.

طبعاً "روش معینی که سوسیال امپریالیسم شوروی برای توسعه نفوذ استعماری نوین خود در اتیوپی بکار برد با کوبا متفاوت است. در حالی که در کوبا، توسعه اولیه سوسیال امپریالیسم شوروی اساساً از طریق اقتصادی بود، در اتیوپی قدمهای اولیه نفوذ، در حیطه نظامی بود. بنابراین، نفوذ نظامی سنگ بنای نفوذ شوروی در اتیوپی میباشد. باتوجه به این امر، سطره سوسیال امپریالیسم بر دستگاه نظامی این کشور امری گسترده میباشد.

نفوذ نظامی : سنگ بنای نفوذ شوروی در اتیوپی

به چه طریقی این نفوذ حراست میشود؟ اهداف و اهمیت استراتژیک حضور نظامی شوروی - کوبا در اتیوپی در چیست؟ تا چه حد خطر بازی کردن نقش تنگین "کوبای آفریقا" برای اتیوپی موجود است؟ اکنون ما توجه خود را به این سؤالات معطوف خواهیم کرد. کنترل نیروی نظامی اتیوپی توسط شوروی، در وهله اول، از طریق به انحصار در آوردن فروش تسلیحات اعمال میشود و این شیوهی مورد علاقه تزارهای نوین برای اعمال کنترل و دخالت در امور داخلی کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، میباشد. عملاً "تمام اسلحههای مورد استفاده در ارتش اتیوپی از شوروی وارد میشود. بیش از یک میلیارد دلار وسائل نظامی روسی که در اختیار حکومت نظامی اتیوپی است شامل مواد زیرین میباشد.

- ۱- بیش از ۶۵۲ تانک، که بیشتر آنها ت-۵۴ تی ۵۵، تی ۵۵، تی ۶۲ میباشد.
- ۲- حداقل ۶۰ میگ - ۱۷ و میگ - ۲۱ و ۲۰ فروند میگ - ۲۳.
- ۳- صدها نفر برنظامی از جمله بی تی آر-۵ و بی تی آر-۲۵۲.
- ۴- تعداد قابل توجهی وسائل نقلیه جنگی
- ۵- برتاب کننده راکت بی ام - ۲۱.
- ۶- خمپاره انداز ۱۵۲ و ۱۸۰

امپریالیسم شوروی دسته دهنده مستشاران نظامی خود و کوبائی را برای کسب رهبری در تمام ارکان ارتش، میلیشیا، نیروی هوائی و دریائی به اتیوپی فرستاده است. این گروههای مستشار نظامی تا بحال در تمام سطوح ارتش از ستاد رهبری تا سطح جوخهها نفوذ کردهاند. آنطوریکه معلوم است کنترل شوروی بر ستاد فرماندهی نیروی نظامی اتیوپی از طریق کمیسیون مخفی استراتژیک نظامی (اس-اس-ام - سی) که از ۱۷ نفر عالیرتبه اتیوپی، ۸ افسر روسی و ۳ افسر کوبائی تشکیل شده است اعمال میشود. از طریق این کمیسیون که در تابستان ۱۹۷۷ تشکیل شده است، سوسیال امپریالیسم روس کنترل کامل خود را بر تمامی سطوح نیروی نظامی اتیوپی اعمال میکند و حرف آخر را جمع به نام قضایا از برکناری تا ترفیع افسرانی که نقشههای استراتژیک را برای تمام صحنههای جنگی میکشند، میزنند.

اتیوپی : کوبای آفریقا

بعنوان مثال، عملیات نظامی مشترک اتیوپی و کوبا در اوگاندا تحت فرماندهی افسران عالیرتبه روسی ژنرال واسیلی، آی پتروف (معاون سابق رئیس ستاد ارتش شوروی و یکی از پرتجربه ترین افسران روسی) و ژنرال گرگوری باریسف هدایت شد) جالب توجه اینکه، ژنرال باریسف "فلاً" عالیرتبه ترین مستشار نظامی روسه در سومالی بود که پس از آنکه به همراه ۴۰۰۰ مستشار روسی در نوامبر ۱۹۷۷ از آنجا اخراج گردید مستقیماً به اتیوپی منتقل شد. کشتار اخیر باصطلاح "صدهاجتی" حکومت نظامی در اریتره، توسط دو ژنرال عالیرتبه روسی، یک نفر از نیروی هوائی و یک نفر از نیروی زمینی، و ۲۰۰ افسر دیگر روسی طرح ریزی و هدایت شد. این بوضوح نشان میدهد که افسران روسی نه تنها رهبری سطوح استراتژیک نیروی نظامی اتیوپی بلکه هدایت عملیات حرکات مشخص نظامی را نیز در دست خود گرفتهاند. اما این هنوز همهجریان نیست. تحت پوشش ارائه خدمات مستشاری، هزاران افسر روسی و کوبائی در رتبههای پائین تر در تمام سطوح نیروی نظامی تا سطح جوخهها رخنه کردهاند و بدین ترتیب سلطه کامل شوروی را در نیروی نظامی اتیوپی از بالا به پائین تعیین میکنند.

علاوه بر رخنه در تمام سطوح نیروی نظامی اتیوپی، سوسیال امپریالیسم روس و مزدوران کوبائی آنها، تمام امکانات تعلیماتی نیروی نظامی اتیوپی را نیز در اختیار خود گرفتهاند. این امکانات تعلیماتی که زیر سلطه مریدان روسی و کوبائی هستند عبارتند از:

- مدرسه تعلیماتی افسران جوان در هولتا.
- آکادمی تعلیماتی افسران جوان در هارار.
- مرکز تعلیمات نیروی هوائی در دبرزیت.
- مدرسه تعلیماتی تانک در آواش.

بنابراین، منطبق با این اهداف، سربازان کوبائی، در سرکوب وحشیانه قیامها و جنگهای مختلفی که سرناسر اتیوپی را در بر گرفته بخصوص در اوگاندا و اریتره شرکت میکنند. بدنبال سفر محرمانه راؤول کاسترو وزیر دفاع کوبا به آدیس آبابا، اولین گردان از قشون کوبائی در دسامبر و ژانویه ۱۹۷۸ وارد اوگاندا شد. بفاصله چند هفته، گردان توپخانه، گردان زرهی و صدها منحصص و موشک و سایر وسایل بیچیده و نظامی تقویت شد. مزدوران کوبائی اولین عملیات نظامی خود را در اواخر

امپریالیسم شوروی و ضد مردمی تزارهای نوین که میلیتاریسم، تجاوز و توسعه طلبی را در زیرنقاب سوسیالیسم اعمال میکنند. سوسیال امپریالیستها از اوگاندا نیز بهمانه یک آزمایشگاه در تدارکات جنگی خود استفاده کردند. در این رابطه دو واقعت پیروزه قابل توجه است.

اول زیرپوشش "ارسال اسلحه" به اتیوپی، سوسیال امپریالیست هایک تمرین وسیع نظامی برای آزمایش توانائی نیروی هوائی خود درگسیل نیرو به شمال آفریقا و خاورمیانه انجام دادند. در این مانور غیرمترقیسه و وسیع بیش از ۲۵ هواپیما حمل و نقل و ۱۲ درصد ظرفیت انتقالی شوروی به آدیس آبابا، عدن و مایوتو پرواز داده شد. بعضی از هواپیماها خالی بود در حالیکه غالب هواپیماها از نوع انتونوف ۲۲ که هسته اصلی نیروهای هوائی انتقالی شوروی است و بعضی هواپیماهای نوع توپولوف ۷۶ برای آزمایش مورد استفاده قرار گرفت. این عملیات وسیع نمونه خوبی است برای نشان دادن این واقعت که سوسیال امپریالیست ها همانند آمریکا در سالهای ۵۰ و ۶۰ خود را آماده میسازند که در تمامی تصادمات محلی آینده دخالت مستقیم کنند. دوم، سوسیال امپریالیستها از نبرد اوگاندا برای آزمایش تسلیحات و تکامل تاکتیک های جنگی خود استفاده نمودند. به عنوان مثال شوروی در جنگ اوگاندا از یک اسلحه که تا بحال در هیچ جنگی بکار برده نشده بود استفاده کرد. این اسلحه (بی. ام. بی) یک وسیله نظمی زرهی بسیار متحرک و مجهز به توپ ۷۷ میلی متری، موشک ضد تانک و موشک ضد هوائی مجهز به حرارت سنج می باشد.

در رابطه با جنگ اریتره، سوسیال امپریالیست هاودست نشانندگان کوبائی شان تلاش میکنند که بر دخالت خود در آنجا سربوش گذارند معذالک جناباتی که علیه خلق اریتره مرتکب شدهاند دست کمی از آنجند راوگاندا کردهاند، ندارند تمام اینها کمی بعد از امضاء "معاهده دوستی بین اتیوپی و شوروی" که افزایش عملیات جنگی مستقیم شوروی و کوبا را بدنبال داشت آغاز شد. نمونههای همکاری مستقیم کوبا و شوروی با تهاجمات وحشیانه حکومت نظامی اتیوپی علیه جبهه های آزاد بیخس اریتره بسیارند. تنها به چند نمونه اکتفا می کنیم.

بنابراین، منطبق با این اهداف، سربازان کوبائی، در سرکوب وحشیانه قیامها و جنگهای مختلفی که سرناسر اتیوپی را در بر گرفته بخصوص در اوگاندا و اریتره شرکت میکنند. بدنبال سفر محرمانه راؤول کاسترو وزیر دفاع کوبا به آدیس آبابا، اولین گردان از قشون کوبائی در دسامبر و ژانویه ۱۹۷۸ وارد اوگاندا شد. بفاصله چند هفته، گردان توپخانه، گردان زرهی و صدها منحصص و موشک و سایر وسایل بیچیده و نظامی تقویت شد. مزدوران کوبائی اولین عملیات نظامی خود را در اواخر

از ماهیت وحشیانه و ضد مردمی تزارهای نوین که میلیتاریسم، تجاوز و توسعه طلبی را در زیرنقاب سوسیالیسم اعمال میکنند. سوسیال امپریالیستها از اوگاندا نیز بهمانه یک آزمایشگاه در تدارکات جنگی خود استفاده کردند. در این رابطه دو واقعت پیروزه قابل توجه است.

اول زیرپوشش "ارسال اسلحه" به اتیوپی، سوسیال امپریالیست هایک تمرین وسیع نظامی برای آزمایش توانائی نیروی هوائی خود درگسیل نیرو به شمال آفریقا و خاورمیانه انجام دادند. در این مانور غیرمترقیسه و وسیع بیش از ۲۵ هواپیما حمل و نقل و ۱۲ درصد ظرفیت انتقالی شوروی به آدیس آبابا، عدن و مایوتو پرواز داده شد. بعضی از هواپیماها خالی بود در حالیکه غالب هواپیماها از نوع انتونوف ۲۲ که هسته اصلی نیروهای هوائی انتقالی شوروی است و بعضی هواپیماهای نوع توپولوف ۷۶ برای آزمایش مورد استفاده قرار گرفت. این عملیات وسیع نمونه خوبی است برای نشان دادن این واقعت که سوسیال امپریالیست ها همانند آمریکا در سالهای ۵۰ و ۶۰ خود را آماده میسازند که در تمامی تصادمات محلی آینده دخالت مستقیم کنند. دوم، سوسیال امپریالیستها از نبرد اوگاندا برای آزمایش تسلیحات و تکامل تاکتیک های جنگی خود استفاده نمودند. به عنوان مثال شوروی در جنگ اوگاندا از یک اسلحه که تا بحال در هیچ جنگی بکار برده نشده بود استفاده کرد. این اسلحه (بی. ام. بی) یک وسیله نظمی زرهی بسیار متحرک و مجهز به توپ ۷۷ میلی متری، موشک ضد تانک و موشک ضد هوائی مجهز به حرارت سنج می باشد.

خلقهای اتیوپی مجبور هستند که مبارزات خود را علیه سوسیال امپریالیسم شوروی دو چندان افزایش دهند. تنها از این راه است که میتوانند به وظائف ملی و بین المللی خود جامه عمل بپوشانند.

گرفتارند از نمونههای زیر مشهور است. نیروی نظامی حمله اکنون

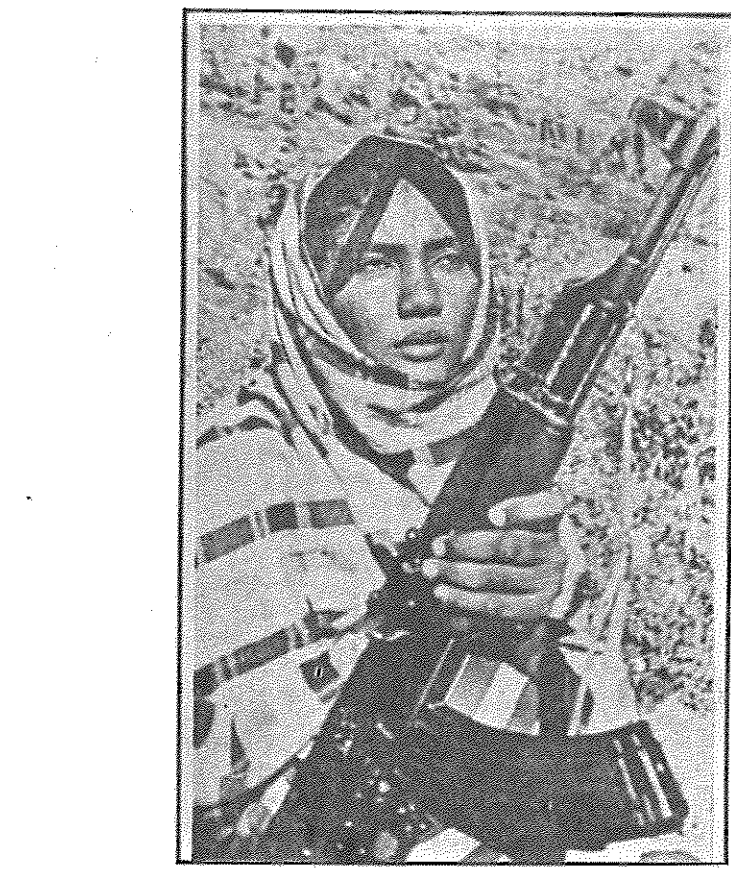
استراتژیک برخوردار است چرا که به شوروی این امکان را میدهد که یکی از بر اهمیترین ترین راههای منابع اروپا را یعنی راهی که اقیانوس هند از طریق دریای سرخ به مدیترانه میرود، کنترل کنند. علاوه بر این، جای پای قوی نظامی در حیطه سوسیال امپریالیستهای شوروی این امکان را میدهد که از آنجا بعنوان پایگاهی برای رخنه و نفوذ در آفریقای شمال شرقی، شبه جزیره عربستان و صحرای آفریقا استفاده کنند. سوسیال امپریالیستهای شوروی با استقرار بیش از ۱۵۰۰۰ سرباز در حیطه، در موقعیتی هستند که میتوانند در لحظاتی بحرانی سریاً از آنجا نیروی کمکی گسیل دارند.

این بوضوح نشان میدهد که حضور نظامی کوبا در اتیوپی نه تنها شمشری است بالای سر طبقات و ملیت های تحت ستم مینماید بلکه خطری جدی برای استقلال و تمامیت ارضی ملت ها و کشورهای بسیاری در خاورمیانه و آفریقا محسوب میشود. اما خطری که متوجه استقلال و تمامیت ارضی کشورهای مختلف همسایه اتیوپی می باشد تنها از جانب مزدوران کوبائی نیست. ارتش اتیوپی که تحت سلطه سوسیال امپریالیستهای شوروی است خود خطرو بره رسدی برای این کشورها و خلقهای آن میباشد به این دلیل که سوسیال امپریالیستهای شوروی نه تنها کنترل کامل نیروی نظامی اتیوپی را در دست گرفتهاند بلکه تمام نیروهای خود را یکسار گرفتهاند تا اتیوپی را به "کوبای آفریقا" تبدیل کنند همانگونه که موفق شدهاند ویتنام را تبدیل به "کوبای آسیا" بکنند.

درک اینکه امپریالیست های شوروی مذبحخانه تلاش می کنند تا کوبای آفریقا و آسیا وغیره بوجود آورند چندان مشکل نیست، اولاً درگیر بودن بیش از ۵۰۰۰۰ سرباز

و تسلیحاتی در این کویاهای جدید شدهاند. علاوه بر این کویاهای جدید بهتر قادر خواهند بود که به سوسیال امپریالیستهای شوروی، در بعضی از دگرگینهای منطقه ای که استفاده از نیروی نظامی کوبا غیر قابل صرفه است، خدمت کنند. بنابراین سوسیال امپریالیست ها تلاش مذبحخانه ای میکنند تا اتیوپی را تبدیل به کوبای آفریقا بنمایند.

سیل بی اندازه اسلحه و مستشاران نظامی در عرض دو سال گذشته از هم اکنون دارو دسته نظامی اتیوپی را ب یکی از نیرومندترین نیروهای نظامی در آفریقا و خاور میانه تبدیل کرده است. سرعت خطرناکی که سوسیال امپریالیست های شوروی در میلیتاریزه کردن جامعه اتیوپی بکار



خلق اریتره در حال جنگ علیه ارتش فاشیستی اتیوپی و مزدوران کوبائی

رویدادهای جهان



منابع بندری استانبول گزارش داد که سه کشتی جنگی روسی روز سه شنبه گذشته از تنگه بسفر گذشته و به ناوگان این کشور در دریای مدیترانه پیوستند. سه کشتی مذکور مجهز به موشک و سلاحهای عادی بوده و هر یک بطور متوسط ۳۰۰ سرنشین داشتند

یکشنبه پیش (۲۵ خرداد) نیز ناو هلی کوپتر بر ۱۸ هزار تنسی موسوم به لنینگراد که توسط یک ناو شکن اسکورت میشد با گذشتن از تنگه بسفر به ناوگان روسیه در دریای مدیترانه ملحق شد.

۲۸ مه ۱۹۸۰ در کارخانههای "درسدن" و اطراف آن در آلمان شرقی چندین بار اعلامیههایی بطور مخفی پخش گردید. این اعلامیهها اختناق در شوروی و اشغال نظامی افغانستان توسط روسها را محکوم می کردند. این اعلامیهها همچنین خواستار آزادی ساخاروف بودند و از ورزشکاران آلمان شرقی میخواستند که بوسیله تمارش از شرکت در المپیک مسکو خوداری کنند. ضمناً در ماه فوریه چهار دانشجوی "درسدن" به علت جمع آوری امضاء بر علیه اشغال نظامی افغانستان توسط روسها بوسیله پلیس آلمان شرقی دستگیر شدند.

رابرت موگابه نخست وزیر زیمبابوه پیشنهاد جوشا نکومو رهبر "اتحادیه آفریقایی خلق زیمبابوه" را دایر به وارد کردن تانک ها و هواپیماهای روسی به زیمبابوه قبل از به استقلال رسیدن این کشور را رد کرد. این مطلب را مقامات امنیتی زیمبابوه در دهم ژوئن اظهار داشتند.

این مقامات اظهار داشتند که نکومو دارای ۱۱ تانک تی ۳۴ و همچنین هواپیماهای میگ روسی در پناهگاههای خود در زامبیا است.

رابرت موگابه به نکومو گفته است که وارد کردن سلاحهای ساخت روسیه در ارتش زیمبابوه مستلزم ابزار یدکی و حضور متخصصین روسی است. بعقیده نخست وزیر این امر باعث وابستگی میشود و وی قاطعانه از چنین وابستگی به روسها مانعت خواهد کرد. موگابه ترجیح داد احتیاجات ابزار جنگی ارتش خود را از کشورهای جهان دوم مثل انگلستان تامین کند.

زندان. از روز سه شنبه سیزدهم خرداد جنگ سختی بین مبارزین و نیروهای نظامی دشمن در گرفته است. در این روز مبارزین در محل "ارقد آباد" در نزدیکی قندهار ده سرباز دولتی را کشتند و سرباز دیگر راه اسارت در آوردند. در حمله دیگری که نیروهای روسی و افغانی به مبارزین کردند متجاوزین روسی متحمل تعدادی کشته و زخمی شدند.



بدنیال فعالیت گسترده مردم و مجاهدین افغانی در شهر قندهار مقامات دولت دست نشانده ارتش اشغالگر روس دست به تقویت نیروهای نظامی خود در این شهر

بعد از تحریم المپیک

تماشاگران بازیهای المپیک به

۷۰ هزار نفر تقلیل یافت

تعداد تماشاگران قبلاً ۳۰۰ هزار نفر پیش بینی شده بود

مقامات ورزشی کرملین تا جندی پیش جاروجنجال و هیاهو راه انداخته بودند که گویا تحریم بازیهای المپیک با شکست مواجه شده است. اما فعالیت های گسترده آنها در آخرین روزهای مهلت برای ثبت نام در این بازیها که با فرستادن مقامات سیاسی و ورزشی به سراسر دنیا و ترغیب و تهدید کشورهای مختلف برای شرکت در بازیها همراه بود. خلاف این تبلیغات را نشان داد. اخیراً نیز سردمداران کرملین نتوانستند نگرانی و ناراضی خود را از عدم حضور تعداد زیادی از تیمهای ورزشی، ورزشکاران و تماشا جیان کشورهای مختلف پنهان کنند. شهردار مسکو ولادیمیر پرومیسلاف و سایر مقامات روسی اظهار داشتند که فقط هفتاد هزار توریست خارجی برای شرکت در بازیهای المپیک به مسکو می آیند. همین مقامات در دو ماه پیش، پیش بینی می کردند که در حدود سیصد هزار توریست جهت شرکت در این بازیها به مسکو می آیند. مثلاً از انگلیس که حتی بعضی تیمهای خود را به این بازیها میفرستد تنها دو هزار توریست بجای ۷۵۰۰ نفر اعلام شده به مسکو میروند

از استرالیا که انتظار میرفت ۴۵۰۰ نفر به روسیه بفرستد قرار است فقط ۴۰۰ نفر روانه مسکو شوند. تقلیل فوق العاده تعداد مسافران خارجی در مسکو بمعنای



کاهش مقدار قابل ملاحظه در سود حاصله از ارز خارجی برای روسها نیز میباشد. زیرا روسها علاوه بر استفاده تبلیغاتی در فکر درآمد و بحیب زدن ارز خارجی جهت اقتصاد بیمار، ورشکسته و جنگی خود نیز بودند.

دختر حرکت اسلامی افغانستان به خیرگزاریها اطلاع داد که خانهای روسی محله ساربانهای شهر هرات را بیماران کرده و در این بیماران ۲۵ نفر از مردم شهید شده اند. از طرف دیگر در کارتهای خانهای شهر هرات شش نفر از زجانیکناران روسی توسط مجاهدین معدوم شدند. بگزارش همین دفتر مسلمانان هرات شبها با صدای بلند تکبیر میگویند و سربازان روسی برای ساکت کردن آنها مبادرت به تیراندازی و پرتاب خمپاره می نمایند. در اثر این بمبارانها خسارات زیادی به خانه های مردم وارد آمده است. در شهر قندهار نیز کودکان خردسال تانک های روسی را سنگ باران میکنند و روسها این کودکان را به رگبار مسلسل ستهاند.

خبرنگار جمعیت اسلامی افغانستان از استان "فراه" گزارش داد که در نبرد شدیدی که بین مجاهدین این جمعیت و نیروهای اشغالگر روسی و مزدوران افغانی رخ داد دوتا تانک و شصت قبضه سلاح کلاشینکف و مقدار زیادی فشنگ و دیگر ابزار جنگی توسط مجاهدین بقتیمت گرفته شد و تلفات سنگینی به نیروهای متجاوز وارد آمد.

در گزارش دیگر خبرنگار جمعیت اسلامی آمده است که در شهرستان انجیل در استان هرات مجاهدین این جمعیت به سربازان اشغالگر روسی حمله کردند و تعدادی نارنجک های روسی را بقتیمت گرفته، دوتا تانک زره دار روسی را بمهدم ۲۸ سرباز روسی را نیز کشته و در حدود ۴۰ سرباز دیگر را زخمی کرده اند

رویدادهای اقتصادی

بر اساس قرارداد جدید اقتصادی

کامیون های ایرانی بدون پرداخت عوارض از ترکیه عبور میکنند

ترکیه دریافت عوارض از کامیونهایی را که به مقصد ایران باز حمل میکنند، لغو کرد. این تصمیم بدنیال مذاکرات هیئت اقتصادی ترکیه با مقامات اقتصادی ایران در ۱۰ روز پیش گرفته شد و بزودی اجرا خواهد گردید. مذاکرات مقامات دو کشور منجر به امضای چندین قرارداد شده که بر مبنای آن ایران ضمن خرید مقدار زیادی کالاهای مختلف، اعتباری برای خرید نفت در اختیار دولت ترکیه خواهد گذارد. لغو عوارض ترانزیتی نیز در چارچوب همین موافقتنامه هاست.

بخش مهمی از واردات ایران از اروپا و بطور کلی، قسمت اعظم حمل و نقل زمینی ایران با جهان خارج، از طریق ترکیه صورت می گیرد. دولت ترکیه برای هر تن بار و هر کیلومتر راه از کامیونهای خارجی یک لیره ترک دریافت میکند. با توجه به اینکه فاصله مرز ترکیه و بلغارستان تا مرز بازرگان در ایران در حدود ۳۰۰۰ کیلومتر است و هر یک لیره ترک برابر ۲ ریال ایرانی میباشد، میزان تقریبی عوارض برای هر کامیون، رقم کلانی را تشکیل میدهد. علاوه بر کالاهایی که مستقیماً از اروپا با کامیون به ایران حمل میشود، بسیاری از کالاهای نیز با کشتی در بندر طرابوزان تخلیه شده و از آنجا به مقصد ایران بارگیری میشود. در نتیجه میزان واردات ایران از راه ترکیه حجم بسیار زیادی را دربر می گیرد و روشن است که عوارض پرداختی نیز چشمگیر خواهد بود. بر اساس قرارداد ایران و ترکیه کامیونهای ایرانی تا پایان سال ۱۹۸۰ بطور نامحدود میتوانند از امکانات جدید استفاده کنند.

لغو عوارض ترانزیتی، در عین اینکه حمل کالا به ایران را تسریع خواهد کرد، باعث کاهش قیمتهای کالاهای وارداتی نیز خواهد شد. ضمناً حمل و نقل کالا از راه ترکیه به ایران رونق خواهد گرفت. ولی باید توجه داشته باشیم که از حدود ۸۰ شرکتی که امور بین المللی ایران را در دست دارند تنها ۷ تای آنها ایرانی بوده و از رانندگان و کامیون داران ایرانی استفاده میکنند. در نتیجه در عین اینکه قیمت های کالاهای وارداتی پایین می آید اما از این میان سود کمی عاید رانندگان زحمتکش ایرانی میشود، چرا که بخش اعظم حمل و نقل در این رشته را خارجی ها در دست دارند. لازم است که وزارت راه و ترابری شرایطی برای شرکت هرچه بیشتر کامیون داران و رانندگان ایرانی در این بخش فراهم کنند، تا هم از بیکاری در این بخش بکاهند و هم راهی برای خود کفایی در حمل و نقل زمینی بکشایند.

اهمیت قرار داد با ترکیه

قراردادهای امضا شده با ترکیه در زمینه خرید بسیاری از کالاهای مورد نیاز ایران، لغو عوارض ترانزیت و فروش نفت به این کشور، قدم مثبتی است که از جانب دولت برداشته شده. چرا که ترکیه یک کشور جهان سوم است و اگر قبول کنیم که گرایش اصلی در سیاست خارجی و بازرگانی خارجی ما برای تامین استقلال، باید وحدت با جهان سوم باشد، به اهمیت گسترش روابط با ترکیه بی میبریم. ترکیه در عین حال همسایه ماست و از این بابت با ایران منافع مشترک بیشتری در مورد مسایل منطقه دارد. گسترش روابط با ترکیه، گامی است در جهت وحدت کشورهای منطقه ما. از این نظر، لغو عوارض ترانزیتی در چارچوب این موافقتنامه هاست.

بقیه از صفحه ۱
سیاست خارجی ایران ...

بزرگترین یورشی که آمریکا علیه
ایران بکاربرد بعد از انقلاب، خصوصا
بعد از جریان گروگانها این بود که به
هر قیمتی هست ایران را در دنیا
منزوی کنند. انزوای ایران در حقیقت
بزرگترین پیروزی برای سیاست
آمریکا بود و در این زمینه توانستند
موفقیت های بسیاری بدست بیاورند
از طرف دیگر طرفداران روسیه به
این انزوا دامن میزدند. برای اینکه
تصور آنها سیاست کلی آنها این بود
که هر چه ایران در دنیا منزوی شود، در

تحلیل نهایی احتمال دارد که به
آنها وابسته نبود و از طریق آنها عمل
بکند. یعنی همان مشکلی که برای
تمام انقلابهای دنیا به نحوی پیش
آمد، طبیعتا برای ما هم پیش
میاید. حتی سردمداران سیاستهای
وابسته به روسیه بطور علنی به ماها
میگفتند که اصلا "این سیاست
نه شرقی نه غربی یعنی چه؟ علمی
نیست و شما باید بانه شرق وابسته
باشید یا غرب. در داخل ایران
یکی این دسته بودند یکی هم در
واقع کسانی که نه تنها بنظر من
گاهی به آنها میگویند انحصار طلب
بلکه کسانی که من غیر مستقیم یا
وابسته به آمریکا و وابسته به
شوروی هستند. یعنی از طریق احزاب
شوروی در این دستجات بظاهر
مسلمان رخنه بسیار شده. منجمله
در رادیو تلویزیون، مناسفانه رادیو
تلویزیون حملات را میکنند و بعد
میگویند خوب است آقای قطب زاده
توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

نه شرقی، نه غربی خودپاشی
میکنیم.
وزیر امور خارجه درباره پی
بردن احزاب سوسیالیست و سوسیال
- دموکرات دنیا به واقفیات انقلاب
ایران صحبت کرد و اظهار داشت که
بدین ترتیب سیاست نه شرقی، نه
غربی ایران در دنیا بیشتر عمق
میگیرد و طبیعتا مخالفین سیاست
های نه شرقی، نه غربی و طرفداران
وابستگی به سیاست آمریکا یا روسیه
رانگران و ناراحت میکند.

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

ترکیه، برمنای قراردادهای اخیر، گندم، جو، ذرت، سویا، نخود،
لوبیا، شیر خشک، ماش و سیمن به ایران صادر خواهد کرد. در عین حال
مطالعاتی در زمینه صدور گوشت گوسفند و گاو و همچنین تراکتور، لکوموتیو و
لوازم یدکی صورت خواهد گرفت تا در این زمینهها نیز روابط بازرگانی و
اقتصادی دو کشور گسترش یابد.
در مقابل، ایران اعتباری برای خرید نفت در اختیار دولت ترکیه قرار
داده است که بخش مهمی از نیازهای نفتی این کشور را تامین خواهد کرد.
ترکیه نفت خود را تاکنون از عراق، لیبی و کمپانیهای بزرگ می خرید، که
انتظار میرود با امضای قرارداد جدید حداقل این کشور بتواند از
شانحصارات نفتی خلاص شود. کمپانیهای نفتی، هر بشکه نفت را در بازار
آزاد تا ۱۵-۱۰ دلار بیشتر از قیمت تعیین شده از سوی اوپک میفروشد

رنجبر و خوانندگان

ضرورت امنیت قضائی
روزنامه محترم رنجبر:
عدالت اجتماعی نه تنها در
بعد اقتصادی بلکه در بعد قضائی هم
یکی از مهمترین ارکان این انقلاب
بوده است. اما افسوس که مادر بسیاری
نقاط شاهد بی عدالتی های وصف
ناشدنی هستیم و این بی عدالتیها جز
در خدمت تضعیف انقلاب و استقلال
تازه بدست آمده قرار نمی گیرد.
از جمله، موردیست در شهر
آغاچاری که یکی از بهترین و مینه
دوست ترین جوانان این شهر به
ناحق، و صرفا "برمنای تعصبات
و غرض ورزی های عدهای مغرض در
کسوت "مسلمان متعهد" مدت دوماه
و نیم است که در زندان بسر میبرد.
اسکندر سرکهکی که همواره در
یکسال گذشته بخاطر دفاع از استقلال
میهن علیه جریانات وابسته نظیر
حزب توده و منحرفین "چپ نما"
که باعث تضعیف دولت ملی
می گردند مبارزه نموده است، این
مدت را در زندان رژیم بسر برده
است که خود همواره از موجودیت آن
در برابر قدرتتها دفاع نموده
است.
اسکندر راه جرم "مقاومت در
برابراجرای حکم قانون" دستگیر
کرده اند. جریان از این قرار بوده است

رنجبر
نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال
خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷
نشانی پستی: تهران - صندوق پستی
۳۱۴-۱۰۰۱۰۱ منطقه پستی ۱۵
تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ فوری
مدیر مسئول: علی حجت

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

توضیح بدهند. وقتیکه ما توضیح
بدهیم علنا "ورسا" مطلب ما را
سانسور میکنند، مطمئن باشند که
مانمگذاریم این اعمال زیاد ادامه
پیدا کند، بهر قیمت که هست باید
آنجاها را از عناصر فاسد و وابسته
و حتی آنها که اسم خودشان را
مسلمان گذاشته اند، ولی نیستند،
پاک بشود.

بقیه از صفحه ۱

را بگیرد . دولت باید این امور را برای توده‌های عشایری به اثبات رساند که شیوه‌های قهرآمیز را تنها در مورد دشمنان ایران بکار می‌گیرد . دولت باید هر قدمی را که در رابطه با عشایر بر میدارد بر اساس سنت‌ها و روحیات خاص عشایری بوده و حتماً باید شیوه‌های ویژه‌ای را در تطبیق با آداب و رسوم عشایر در پیش گیرد . در غیر این صورت حتی بهترین طرح‌ها با شکست روبرو خواهد شد . دولت باید به تحقیق در میان توده‌های عشایر دست زند و بر اساس نظریات آنان وبا کمک و توسط خود آنان سعی در حل مشکلات و مسایل عشایر نماید . تنها در چنین حالتی یعنی بسیج اکثریت مردم و متفرد کردن مشتئ ناچیز از عوامل مزدور است که میتوان عوامل وابسته به امپریالیسم را در منطقه سرکوب کرده و اجازه نداد آنها از این اوضاع استفاده نموده و توده‌های عشایری را گوشت دم توپ کنند . هر شیوه دیگری بجز این موجب گشته که جنگ در مناطقی دیگر از مملکت درگیرد و توده‌های زحمتکش عشایر که همواره پاسداری خود را از حاکمیت ایران به اثبات رسانده‌اند و وعده‌ای از جوانان پاسدار دچار تلفات گردند

سؤال - شما که در میان عشایر زندگی کرده‌اید قبل از هر چیز توضیحی درباره مشکلات عشایر و بخصوص مشکلات توده‌های زحمت کش عشایر در اختیار ما بگذارید .

رفیق ایرج کشکولی: توده‌های عشایر فارس در طی تاریخ ایران علی‌رغم کار و زحمت طاقت فرسا همواره زندگی بسیار سختی داشته‌اند و حداقل امکانات زندگی نیز برخوردار نبودند . در طول ۵۰ سال حاکمیت خاندان منفور پهلوی و تسلط امپریالیزم بر ایران توده‌های عشایر در زیر وحشیانه‌ترین ستمها و استثمار قرار داشته‌اند ، زحمتکشان عشایر بارها مورد تجاوز و قتل و غارت خاندان پهلوی قرار گرفته و یک نمونه آن جریان‌ات سالهای ۴۳-۴۴ بود .

عشایر همواره در زمینه اقتصادی مشکلات زیر راداشته و هنوز هم دارند :

الف - مرتع : یکی از مشکلات عشایر که عموماً از طریق دامداری امرار معاش می‌کنند چگونگی استفاده از مراتع است ، رژیم طاغوت برای از بین بردن دامداری در ایران سیاست خائنانه به اصطلاح "ملسی کردن مراتع" را عنوان کرد ، که این به اصطلاح ملی کردن در واقع خارج

مصاحبه با رفیق ایرج کشکولی

عضو کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران

درباره مسائل عشایر فارس

و مشکلات منطقه

گربان باشد .

چ- آب : عشایر چه آنهایی که اسکان یافته‌اند و چه آنهایی که کوچ نشینند همواره دچار مشکل بی آبی بوده‌اند . در گذشته رژیم منفور پهلوی هیچگونه اقدامی در این زمینه ننمود و امروزه نیز دولت اقدام موثری در این جهت نکرده است .

د - بهداشت : وضع بهداشت در میان عشایر اسف بار است و در بسیاری از موارد هیچگونه دسترسی به پزشک ، بیمارستان و درمانگاه ندارند . عدم امکانات بهداشتی در میان عشایر موجب انواع و اقسام امراض و تلفات جانی می‌شود .

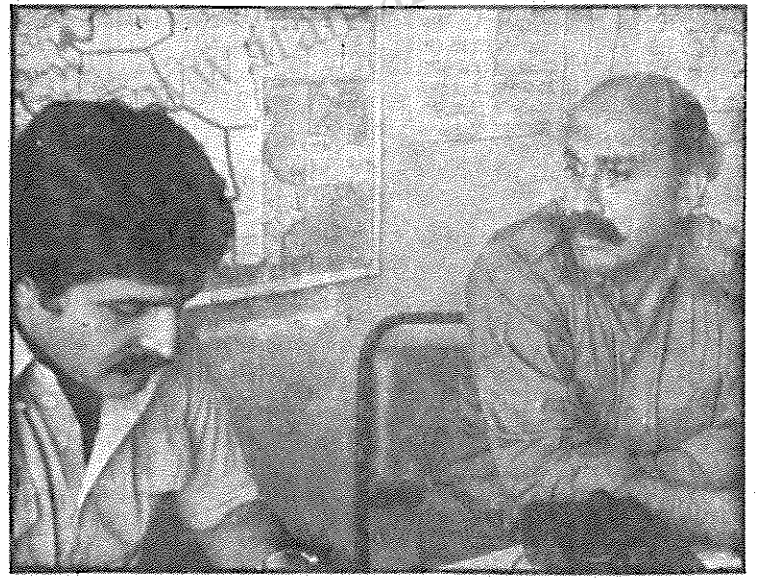
عشایر مشکلات فراوان دیگری نیز دارند . توده‌های رنجبر عشایری که سالها در زیر ستم و فشار خاندان پهلوی و عوامل مزدورش قرار داشتند بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انتظار داشتند که به سرعت به وضع آنان رسیدگی گردد . لیکن متأسفانه اقدام موثری در این جهت از سوی هیئت حاکمه برداشته نشده و این امر موجب نارضایتی در میان عشایر و دل‌سرد شدن و بدبین شدن آنان نسبت به دولت گشته است .

سؤال - مسئولین و جناح‌های دولتی و همچنین افراد موثر محلی تاکنون چه برخوردی به مسئله عشایر داشته‌اند و چه تأثیراتی در منطقه گذاشته است ؟

جواب - بعد از پیروزی انقلاب از یکسو فشار و توطئه برخی از خوانین ستمگر و فئودالهای ساواکی و وابسته به رژیم گذشته که در مقایسه با کل جمعیت عشایر ، تعداد بسیار ناچیزی میباشد به دوش توده‌های زحمتکش عشایر سنگینی می‌کند . این عده انگشت شمار به ارباب و تهدید توده‌های زحمتکش عشایر پرداخته‌اند . جان و مال آنان تجاوز نموده‌اند . امروزه این عوامل تلاش میکنند با بهره‌گیری از روحیه خاص عشایر مقاصد شوم خود را که ایجاد هرج و

آگاهی ندارند که در زمانی که توده‌های عشایر از دولت ناراضی هستند تهدید خسرو قشقایی به چوبه‌دار موجب چه عواقبی خواهد گردید ؟ در این جا مسئله دفاع یا حمله به خسرو قشقایی مطرح نیست . بلکه

مسلمان مبارز غیور عشایری در فارس و برخی از پاسداران این نیست را داشته که وضع عشایر فارس بهبود یابد لیکن به علت داشتن روحیه انقلابیگری تاذب و انحصارطلبی و شرکت در بازی قدرت در عمل نتوانی



رفیق ایرج کشکولی در حال گفتگو با خبرنگار رنجبر

جنگ و آشوب در منطقه برفع ابرقدرتها
و بسود مراکز خود کاهه است
دولت بعد از انقلاب کار مثبتی برای عشایر
انجام نداده است

در جهت حل مسئله قدمی بر ماچرای ربودن خسرو قشقایی ، صرف

عمال داخلی آنها ، غیر از عوامل استثمار و سپهروزی توده‌های زحمتکش از سوی دیگر تاریخ ایران نشاندهنده این واقعیت است که در بین روسای عشایر افراد استقلال طلبی نیز وجود داشته‌اند . امروز اینان باید حساب خود را از عناصر ساواکی و هرج و مرج طلبی چون داریوش نجفی ها ، کرمی ها ، ... جدا کنند . این عناصر استقلال طلب باید اوضاع کنونی مملکت را در نظر آورده و متوجه باشند که هرگونه درگیری ، ایران را در آستانه خطر بزرگی قرار میدهد . امروز باید تمام سلاحها بسوی دشمنان خارجی و عوامل مستقیم آنان نشانه رود .

عشایر فارس بدون شک به این امر واقفند که آنچه که اکنون در فارس می‌گذرد نه به نفع عشایر و نه به نفع انقلاب و کشور من میباشد بلکه بیشتر در خدمت سیاست انحصار طلبان و مراکز خودکامه‌ایست که به آن دامن می‌زنند ، باید هشیار بود و آن را ختنی نمود .

سؤال - در صورت امکان بطور مختصر مواضع حزب را درباره بحران مسئله عشایر و راه حل آن تشریح کنید .

جواب - حزب ما بر این امر معتقد است که در شرایط کنونی ایجاد هرج و مرج و برخورد مسلحانه چه از سوی مراکز خودکامه و انحصارطلبان و چه از جانب هرجناحی که باشد بضرر مصالح تمام میهن و هم چنین عشایر میباشد . مسایل و مشکلات موجود باید از طریق مسالمت آمیز و باتوجه به خواسته‌های اکثریت مردم عشایر حل و فصل شود . هرجه زود تر دولت باید در جهت حل مشکلات و بدبختی‌های فراوانی که عشایر با آن روبرو هستند قدم بردارد . باید در عین حال شرایط مساعدی فراهم آید تا توده‌های عشایر آزادانه و بدون هیچگونه فشاری نمایندگان خود را انتخاب کرده و از طریق این نمایندگان در جهت برآوردن خواسته‌هایشان اقدام کنند . به حتماً جنگ در منطقه

کار در مناطق عشایری انتخاب نماید . جهاد سازندگی به منظور اجرای برنامه‌های عمرانی در مناطق عشایری باید عمدتاً از بین خود عشایر باشد . توزیع علوفه و تفاله چغندر و ... باید بدست کمیته‌های عشایری صورت گیرد تا توده‌های عشایر مورد اجحاف و تبعیض قرار نگیرند . مسئله زمین و مرتع و طرحهای دولت باید از طریق شورای عشایری و بطور عمده بدست خود عشایر پیاده گردد . به عبارت دیگر باید عشایر در حل مسایل و مشکلات خود شرکت داشته باشند . اعزام پاسداران غیر بومی ، واحدهای جهاد سازندگی غیر بومی ، اجرای طرحها توسط دستگاههای اجرایی دولت که بطور کلی ارگانهایی که با سنت ها و روحیه عشایر بیگانه هستند موجب میگردد که حتی بهترین طرح‌ها با شکست روبرو گردد . اگر این اصل مهم - یعنی شرکت دادن عشایر در حل مشکلاتشان - اساس کار قرار نگیرد این بحران بطور پشیمانی حل نخواهد گردید . در پیش نگرفتن این شیوه منجر به این خواهد شد که عناصر ساواکی و دیگر عناصر هرج و مرج طلب از احساسات پاک ایلی عشایر استفاده نموده و در نتیجه روابط گذشته همچنان پابرجا باقی بماند . در پیش نگرفتن این شیوه موجب می‌گردد که جناحهای انحصار طلب و قدرت طلب هیئت حاکمه از یکسو و خوانین ساواکی ایلات (که بسیار معدود هستند) هرج و مرج را بر منطقه غالب کنند . از سوی دیگر چون در مسیر حرکت ایلات و همچنین مناطق بیلاقی و قشلاقی عشایر ، روستائیان بومی - غیر عشایری - نیز زندگی می‌کنند باید با این روستائیان وحدت نمایند ، تا از هرگونه توطئه و تفرقه اندازی از طرف هر مقام و نیرویی که باشد جلوگیری کنند ، زیرا تنها از این طریق است که زحمتکشان عشایری و روستائیان بومی رو در روی یکدیگر قرار نمی‌گیرند .

حزب رنجبران همواره از حل مشکلات توده‌های زحمتکش عشایر و برانداختن ستم و روابط استثمارگرانه در مناطق عشایری پشتیبانی نموده و هرگونه جنگ داخلی را در اوضاع کنونی به زیان استقلال ایران میدانند ما همواره ضرورت متشکل شدن توده‌های عشایری ، شرکت دادن عشایر در حل مسایل و مشکلات خودشان ، ستم افراد متنفذ ایلات بر توده‌های عشایر ، فرصت طلبی جناح‌های انحصار طلب و کمیوهای دولت را متذکر شده‌ایم . ما همواره راه حلهای اصولی را چه خطاب به توده‌های عشایر و چه خطاب به دولت بیان کرده‌ایم و این اوضاع انفجاری را از مدتها قبل پیش بینی کرده بودیم . ادامه سیاستهای غلط و تلاش نکردن

کردن مراتع از دست توده‌های زحمت کش ورنجبر و سپردن آن به دست عوامل مزدوران خود بود. در منطقه فارس نیز بعضی از خوانین و فئودال‌های مزدور (که عده بسیار قلیلی هستند) تمام مراتع را بزور از دست عشایر درآورده‌اند. امروزه نیز مسئله حل نشده و مشکل استفاده از مراتع همچنان برجای مانده است.

بـ مشکل علوفه: از آنجایی که اکثر عشایر کوچ نشین بوده و درآمد عمده آنها از طریق دامداری است بنابراین چگونگی دریافت جو، تغاله چغندر، گاه برای فصل زمستان به عنوان مشکلی وجود داشته و هنوز هم پابرجاست. اعمال نفوذ افسران متنفذ، عدم امکانات مالی عشایر برای خرید علوفه و نبودن واحدهای سیار برای توزیع علوفه و بیروکاری موجود و... موجب گردیده که امروز نیز عشایر باین مشکل دست به

دستگیری جهانپور کشکولی و نحوه انعکاس آن در مطبوعات سیاسی تحریک آمیز در منطقه عشایر

در روزنامه‌های صبح دیروز (چهارشنبه ۲۸ خرداد) خبر دستگیری "جهان‌نگیر خان کشکولی" به آنها مشرکت در درگیری‌های منطقه فیروزآباد به تفصیل از خبرگزاری پارس نقل شده است. در این خبر که خبرگزاری پارس آنرا از قول یکی از اعضای سپاه پاسداران منطقه سپیدان مخابره کرده اینطور وانمود میشود که گویا شخص دستگیر شده یکی از خوانین است که در ایجا درگیری‌های مسلحانه خیر در میان عشایر و پاسداران فعال بوده است. طبق اطلاعات دقیقی که خبرنگاران "رنجبر" از محل دارند، شخص دستگیر شده که نام صحیح او جهانپور کشکولی است و نه جهان‌نگیر، دخالتی در درگیری‌های اخیر منطقه چه قبل از ایجاد درگیری و چه بعد از آن نداشته است. قابل توجه است بدانیم که جهانپور کشکولی در منطقه سپیدان در نزدیکی روستای محل زندگیش دستگیر شده که با فیروزآباد فاصله زیادی دارد

نداشته‌اند. به موجب بحرانی شدن اوضاع گردیده‌اند. برای نمونه به مواضعی که اخیراً مسئولین امر در فارس در جهت سرکوب قهرآمیز توده‌های عشایری گرفته‌اند باید اشاره کرد این آقایان بجای حل مسالمت آمیز مسأله عشایر و رسیدگی به مشکلات و خواسته‌های آنها دائماً در سخنرانی‌های خود نسبت به عشایر موضع خصمانه اتخاذ کرده و به آنها نسبت دزد، گردنه بند و غیره داده و در بعضی از موارد متوسل به زور شده‌اند در صورتیکه دفتر ریاست جمهوری و نمایندگان رئیس جمهور که شخصاً به منطقه فرستاده بودند خواهان حل مسالمت آمیز مسأله هستند.

تاکنون مسئولین دولتی بجای یک کار دقیق سیاسی در بین عشایر سعی نموده‌اند بدون اینکه سنت‌ها و روحیات خاص توده‌های عشایر را در نظر بگیرند مسئله را از بالا حل کنند. امروزه توده‌های زحمتکش عشایر، چه آنهایی که در حال کوچ بوده و چه آنهایی که اسکان یافته‌اند، از دولت ناراضی می‌باشند و معتقدند که دولت در جهت حل مشکلات آنها قدمی برنداشته است. در ضمن به قول و قرارهای دولت برای آینده نیز باور ندارند. از سوی دیگر اگر به تاریخ عشایر نظری بیافکنیم متوجه خواهیم شد که عشایر در گذشته همواره در مقابل هرگونه فشاری که از نیروهای غیر عشایری به آنها وارد آید با یکدیگر متحد می‌شوند. همان مستضعفان عشایری باخوانین و فئودالها متحد می‌گردند. حال چگونه بخشی از حاکمین می‌خواهند یک شبه تمام این سنت‌ها را از بین ببرند؟ چگونه حاکمین می‌خواهند مریضی را شفا بخشند، بدون اینکه از وضعیت مریض خبر داشته باشند. آنهایی که ادعا میکنند خوانین در بین عشایر نفوذ ندارند، ناگزیر باید پای سرکوب برونند زیرا سنتها و خصوصیات عشایری را نمی‌شناسند و نتیجه عمل آن می‌شود که آن نیرویی که این بخش از حاکمین با آن روبرو می‌شوند همان توده‌های زحمتکش عشایر می‌باشند. بعضی از مقامات تهدید کرده‌اند که با زور تانک و توپ این مسئله را حل خواهند کرد و هرگونه مذاکره‌ای را سازش میدانند. آیا واقعا اینها از ناراضی عشایر از دولت و همچنین از روحیه و خصوصیات سنتی عشایر اطلاعی ندارند که این چنین تهدیدهایی را مطرح می‌کنند؟ در حالیکه اگر جنگ در بگیرد این توده‌های مستضعف عشایر و جوانان پاسدار هستند که دچار تلفات خواهند شد؟ آیا این جناحهای هیئت حاکمه بر این امر

بصر رسیدن سیاسی و... است از بی قانونی ناشی از وجود مراکز خودکامه قدرت. هرچند که اینک شیوه‌برخورد هیئت حاکمه است که نقش تعیین کننده در حل مسئله دارد اما از سوی دیگر نحوه برخورد توده‌های عشایر نیز بسیار مهم است. توده‌های زحمت کش و دلاور عشایر باید به این امر توجه کنند که امروز کشور ایران که آنها بخشی از آن میباشند در خطر بوده و آنان باید سهم خود را همان طور که بارها در تاریخ نشان داده‌اند در ساختن ایرانی مستقل از نفوذ بیگانگان و ابرقدرتها بعهده بگیرند. توده‌های دلاور عشایر به

این مسئله توجه دارند که تمام مشکلات و مسایل آنها ناشی از این امر بوده که بیگانگان و عوامل داخلی آنها سالیان متمادی بر کشور مسلط بوده‌اند. توده‌های عبور عشایر بخوبی آگاهند که امروزه هر نوع جنگ داخلی و هرگونه هرج و مرج بضرر استقلال ایران، بضرر زحمتکشان و بضرر توده‌های زحمتکشان ایلات و عشایر ایران میباشد زیرا افزایش هرج و مرج کنونی در جامعه و جنگ داخلی موجب گشته که باریک‌عوامل خارجی بر میهن ما غلبه کرده و زحمتکشان ما در زیر ستم و اجحاف همچنان باقی بمانند. امروز عرصه سیاسی ایران هرگونه جنگ داخلی موجب قدرت گرفتن مراکز خودکامه قدرت است و آن جناحی از هیئت حاکمه که انحصار طلب بوده و در بسیاری از موارد به منافع توده‌ها و نظریات آنها اهمیتی نمی‌دهند. از سوی دیگر توده‌های عشایری اجازه نخواهند داد که عده‌ای

بخاطر منافع خود از احساسات پاک عشایری آنان سوء استفاده نموده و آنان را در محضورات اخلاقی قرار داده و بدنبال خود بکشند. خصوصاً باید عوامل رژیم سابق و ساواکی‌ها را از صفوف خود طرد نمایند و با آنها همسگر نشوند. دولت قدم موثری در جهت منافع عشایر برنداشته و اینک نیز جناح‌هایی از هیئت حاکمه، مردم را تهدید به سرکوب کرده و عده‌ای را دستگیر نموده‌اند. طبیعی است که مردم بخاطر تحقق خواسته‌های مقابله خود علیه اقدامات خودسرانه مقاومت و مبارزه خواهند کرد. هیچگاه نباید فراموش کرد که کشور ما امروز در شرایط حساسی قرار دارد، باید وضع عموم مملکت را در نظر گرفت. آیا واقعا اگر امروز جنگی در بگیرد چه کسی سود می‌برد به غیر از امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و

که بوسیله جناح‌هایی از حاکمین بر آن دامن زده میشود باید هرچه زود تر پایان داد. از دخالت‌های بی‌مورد که منجر به درگیری و زد و خورد شود باید جدا پرهیز کرد. سپاه پاسداران باید از بین خود عشایر، پاسدار در جهت پیشبرد

بقیه درحاشیه "انشاب... از صفحه ۱

پروپا قرص راه حل مسالمت‌آمیز میشوند؟ و تازه همه این "دوست" با زی‌ها زیر رهبری با نند کیا نوری در حزب توده صورت می‌گیرد، یعنی به هدایت و پیداشا ره‌دار دوست‌های که "دوستی" آن با جمهوری اسلامی و با امام خمینی از جمله در لجن پراکنی‌های روزمره‌اش علیه شعاع "نه شرقی نه غربی" و آمریکا‌ئی خواندن این شعاع و آمریکا‌ئی خواندن تپام‌کسانی که مصمم به مبارزه علیه هر دو ابرقدرت هستند، بطرز بسیار مشهودی دیده میشود!

هر عنصر صادقی حق دارد و پایدیه شدت نسبت به این "دوستی" های ناگهانی شک کند.

رهبری غاصب چریک‌ها و با ند بلوریان از این پس با اسلحه دیگری به جنگ انقلاب و دولت ملی خواهند رفت، اسلحه‌ای که بصورت باز "ژ-۳" و "گلاشینکف" خطرناکتر است، یعنی اسلحه توطئه‌های پنهانی و تدارک کودتای روسی. کرملین و دارودسته‌های سرسپرده به آن در ایران و در رأس همه آنها با ندکیا نوری در تدارک کودتا هستند. اینرا ما بارها گفته‌ایم و باز هم می‌گوئیم. از این عمال و مزدوران روس که خیانت پیشگی و توطئه‌گری خود را بارها و بارها نشان داده‌اند انتظار "دوستی" داشتن خیال بیهوده است. دوستی با آنها با دست خود طناب‌دارا به گردن خود آویختن است. "دوست" با زی‌های این مزدوران با جمهوری اسلامی زمانی گل

می‌گردد که هرج و مرج کنونی هرچه بیشتر اوج گرفته و دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و عمال بومی آنان از آب گل آلود ماهی بگیرند و بار دیگر مردم ما را به زیر یوغ بردگی ابرقدرتها بکشند.

میکنند که ابرقدرت شوروی در همسایگی کشور ما در برابر امواج کوبنده مبارزه خلق افغانستان در تنگنا قرار گرفته و وقیحانه به ایران "هشدار" میدهد و استقلال کشور ما را تهدید میکند. آنگاه، این مزدوران که سرسپردگی خود را به روس آشکارا اعلام میکنند و سلاخی خلق برادران افغانستان را توسط ارتش شوروی تمجید و ستایش می‌نمایند و علناً برای ایران سرنوشت افغانستان را آرزو میکنند، دست "دوستی" بسوی امام خمینی و جمهوری اسلامی دراز میکنند، و خود را طرفدار "راه حل صلح آمیز" مسئله کردستان قلمداد میکنند. آیا مگر ما نمونه‌های از "راه حل صلح آمیز" آنان را هم اکنون در افغانستان شاهد نیستیم؟

پس تنها یک معیار را برای اثبات دوستی با جمهوری اسلامی بپذیریم: معیار قبول شعاع راستین "نه شرقی نه غربی" و عمل صادقانه بر این اساس. هرگونه ادعای دوستی و حمایت از جمهوری اسلامی بدون قبول این شعاع، کذب محض و یا ادعای تو خالی است. دارودسته‌های نوری و همپالکی‌های آن یعنی با ندغنی‌ها و بلوریان، این نوکر مارکدار شوروی در حزب دمکرات، که از با ندقا سملونیز سرسپرده‌تر و فاسدتر است، دشمنان قسم خورده این شعاع و مزدوران قسم خورده ابرقدرت روس‌اند. ملت ما دست "دوستی" آنها را قاطعاً نرد می‌کند.

